**تربیت فرزند در خانواده از منظر سیرۀ امام‎رضا(ع)**

رابعه هراتی[[1]](#footnote-1)

علیرضا محمودنیا[[2]](#footnote-2)

اکبر صالحی[[3]](#footnote-3)

سوسن کشاورز[[4]](#footnote-4)

دریافت: 15/5/1399

پذیرش: 14/8/1399

**چکیده**

 تربیت در خانواده فراهم‌کنندۀ موجبات رشد و تعالی انسان و اساس تربیت رسمی و عمومی است. از این‌روهدف از انجام این پژوهش بررسی رویکردهای تربیت فرزند در خانواده؛ از منظر سیرۀ امام‌رضا(ع) است. مقالۀ حاضر به‌روش توصیفی و ‌تحلیلی، با هدف درکی دقیق از احادیث و روایات و سیرۀ امام‎رضا، دربارۀ تربیت فرزند در خانواده انجام شده است. بدین منظورآن دسته از احادیث، روایات و تئوری‌ها که دلالت‌ها و اشارات مستقیم به بحث تربیت فرزند در خانواده داشته و به صورت ضمنی و تلویحی مرتبط با سیرۀ نظری و عملی امام‎رضا بوده، استفاده شده است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها فیش‌برداری است. از منظر سیره، رویکرد تربیت دینی با مضمون تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، رویکرد تربیت اجتماعی با مضمون پرورش هویت اجتماعی،گفت‌وگو، پرورش حس مسئولیت‌پذیری نسبت به جامعه و طبیعت، و پرورش تفکر انتقادی و رویکرد تربیت علمی بررسی و مضامین آن استنباط شد. یکی از شاخصه‌های مهم تفکر انتقادی که در سیرۀ امام‎رضا نیز مشهود است، تدبیر و تعقل است. تجزیه و تحلیل امور با معیارهای صحیح و پیوستگی علم و عمل، از شاخصه‌های دیگر تفکر انتقادی است. پیشنهاد این پژوهش، تدوین سندی معطوف به تربیت فرزند در خانواده از دیدگاه اسلام است. این سند برای خانواده قابلیت اجرایی دارد و دولت نقش نظارتی و حمایتی دارد.

**کلیدواژه‌ها:** تربیت؛ خانواده؛ سیرۀ امام‎ رضا (ع).

# مقدمه

تربیت فرزند در خانواده از دو منظر قابل ‌بیان است؛ اول خانواده که رکن اساسی تربیت است و فرد در دوران اولیۀ زندگی خود که شخصیت او در حال شکل‌گیری است، به ‌صورت غیررسمی از خانواده بیشترین تأثیر را می‌پذیرد. دوم اینکه زمانی که فرد وارد نهادهای تربیتی مانند مدرسه می‌شود، باز هم خانواده در تربیت او نقش دارد و کامل‌کنندۀ تربیت مدرسه‌ای اوست. پیشرفت جامعه در گرو سرمایه‌گذاری در تربیت و به ‌ویژه تربیت در دوره‌های آغازین زندگی است؛ زیرا بسیاری از مشکلات فرهنگی جامعه، زمینه‌ساز مشکلات اقتصادی و بهداشتی و سیاسی است. برای نمونه کسی‌که نحوۀ استفادۀ صحیح از آب یا برق را نداند، فرهنگ ارتباط صحیح با طبیعت را ندارد وکسی‌که فرهنگ استفادۀ صحیح از تکنولوژی را نداشته باشد، چنین فردی زمینه‌ساز مشکلاتی در جامعه خواهد شد. از سوی دیگر، متخصصان تعلیم ‌و تربیت ریشۀ بسیاری از ناهنجاری‌های رفتاری را در دوران کودکی فرد و در بستر خانواده جست‌وجو می‌کنند. در اکثر مواقع، بحران‌های اجتماعی تابعی از بحران‌های تربیت خانوادگی است. در حالی ‌که پارادایم پیچیدگی، جهان هستی را پیچیده، شبکه‌ای، بی‌پایان، پویا و در حال تغییر و تحول مستمر می‌داند، مبانی هستی‌شناختی یک پارادایم علمی نیز تأثیر مهمی بر تدوین نظریه‌ها در حیطۀ آن پارادایم دارد. در این پارادایم پیچیدگی، از یک سو نیازمند شناسایی مؤلفه‌های هستی‌شناختی این پارادایم و از سوی دیگر، مستلزم تلقی نظام تعلیم‌ و تربیت به‌مثابۀ نظامی پیچیده هستیم. خانواده به‌مثابۀ یک سیستم پیچیده، علاوه بر روابط درون‌سیستمی، دارای روابط برون‌سیستمی با محیط خود و نظام‌های دیگر، مانند نهادهای اجتماعی و سیاسی و اقتصادی است. علاوه بر این روابط که می‌توان آن را با عنوان «کنشگران انسانی»، یعنی روابطی از نوع انسان-‌انسان، گنجاند، نظام پیچیدۀ تربیت حاوی روابطی از نوع دیگر و با کنشگران نامتجانس، مانند روابطی از نوع انسان‌-اشیا یا روابطی از نوع اشیا-اشیا نیز است. گفتنی است منظور از رابطۀ انسان-اشیا، رابطه میان فرد با وسایل الکترونیک، مانند رایانۀ شخصی و سایر وسایل دیجیتال است و رابطۀ اشیا-اشیا همچون رابطۀ رایانه‌ها در ایجاد فضای مجازی و اینترنت است. در این پیچیدگی، خانواده و به‌ویژه والدین، به دانش و بینش لازم دربارۀ چگونگی تربیت نیاز دارند.

تربیت صحیح در خانواده گامی مؤثر در اصلاح نابسامانی‌های جامعه است و موجبات رشد و تعالی انسان‌ها را فراهم می‌کند. برای حل مسائل تربیت در خانواده، ورود به حوزۀ شناختی در مباحث تربیتی اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا در دنیای مدرن با پیچیدگی‌های روزافزون، توانایی برای اصلاح جامعه، منوط به تعلیم ‌و تربیت صحیح در خانواده خواهد بود و هرگونه رفتار انفعالی خانواده در این زمینه، افراد خانواده و به ‌ویژه کودکان و نوجوانان را به‌ سوی ضلالت و گمراهی سوق می‌دهد. در نظام تربیت ‌اسلامی، خانواده محلی مناسب برای عرضۀ بایدها و نبایدهای مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و ملی محسوب می‌شود. این ارزش‌ها ملهم از آموزه‌های *قرآن کریم* و برگرفته از نقش معنوی، اسوه‌ای، ‌هدایتی و تربیتی پیامبر اکرم و امامان معصوم است. از جمله سیرۀ امام‌رضا در خانواده و تربیت فرزند، جلوه‌ای از تحقق مراتب حیات طیبه و زمینه‌ساز شکل‌گیری هویت انسانی است.

«در الگوی هدف‌گذاری برنامۀ درسی و تربیتی ملی، ساحت‌های تربیت در چهار عرصۀ رابطه با خویشتن، رابطه با خداوند متعال، رابطه با خلق خدا و سایر انسان‌ها و رابطه با خلقت و طبیعت به‌ صورت به‌هم‌پیوسته و با محوریت رابطه با خدا تبیین شده است»(برنامۀ درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱: ۱۵). از یک منظر «فرد دارای هویت انسانی می‌تواند در جریان هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با انسان‌های دیگر که از فرهنگ‌ها، ملل و اقوام و نژادهای دیگرند، تعاملی مثبت نشان دهد و در ایجاد بستر مساعد برای حیات عالی بشری بکوشد. توجه به این جنبه از هویت، امکان توسعه و تعالی ارزش‌های عالی معنوی انسانی را که مورد تأیید اسلام نیز هست، فراهم می‌آورد»(مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم‌وتربیت رسمی عمومی، ۱۳۹۰: ۲۶۸). از طرفی رابطۀ انسان با خویشتن، خداوند و طبیعت و به ‌نوعی تمام تعاملات انسانی در زندگی فرد نقش اساسی دارد که در تربیت باید به این نکته توجه شود.

این پژوهش قصد دارد بحث تربیت فرزند را در خانواده از منظر سیرۀ امام‌رضا بررسی کند، بلکه بتواند استراتژی مشخص و روشنی برای تربیت صحیح فرزند در خانواده اتخاذ کند و پاسخگوی نیاز عاملان تربیت قرار گیرد.

# تعاریف

## خانواده و تربیت

خانواده به کوچک‌ترین واحد اجتماعی اطلاق می‌شود که شامل پدر، مادر و فرزندان آن‌هاست(عمید، 519:1343). «اسلام خانواده را گروهی می‌داند متشکل از دو رکن اصلی زن و مرد که در سایۀ ضابطه‌ای مشروع و الهی در کنار یکدیگر قرار گرفته و بر اثر آن پیوند، دارای شخصیت اجتماعی، حقوقی، معنوی و مدنی شده‌اند. اساس روابط انسان را نکاح تشکیل می‌دهد[[5]](#footnote-5) و نکاح، عقد یا پیمانی است که بر اساس آن رابطۀ زوجیت مشروع می‌شود»(قائمی امیری، ۱۳۹۱: ۸). برخی تعریف‌های ارائه‌شده از سوی صاحب‌نظران علوم اجتماعی به شرح زیر است:

لوی[[6]](#footnote-6): «خانواده، واحدی اجتماعی است که بر اساس ازدواج پدید می‌آید»(ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۵۵). دیویس[[7]](#footnote-7): «خانواده از گروهی از اشخاص تشکیل می‌شود که روابط‌شان با یکدیگر بر پایۀ خویشاوندی هم‌خونی استوار است» مک آیور[[8]](#footnote-8): «خانواده گروهی است دارای روابط جنسی چنان پایا و مشخص که به تولید مثل و پرورش فرزندان منتهی شود»(ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۵۵). مورداک[[9]](#footnote-9): «خانواده گروهی اجتماعی است با اقامتگاه مشترک، همکاری اقتصادی و تولید مثل»(بستان و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۷).

شکل‌گیری و بنا نهادن خانواده در چشم‌انداز اسلامی علمی و با رویکرد اجتماعی، روان‌شناختی، تربیتی و فرهنگی پیامدهای مثبت فراوان دارد. بشر در گسترۀ تاریخ زندگی به‌ خوبی دریافت که خانواده، بهترین مأمن و شایسته‌ترین کانون برای تبلور سکون، اطمینان و تحول اوست(پناهی،43:1398). در قرآن، خانواده نخستین کانون رشد و آرامش بشری است که مراقبت از آن مسئولیتی سنگین به شمار آمده است. در فرهنگ اسلامی، اولویت و تقدم خانواده یک اصل به حساب می‌آید و روایات فراوانی بر آن دلالت دارند(جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۲۳۶). رسول خدا فرمود: «هرگاه خدا به یکی از شما خیری عطا کرد، ابتدا خود و خانواده‌اش را از آن بهره‌مند سازد»[[10]](#footnote-10)(سیوطی، ۱429ق: 73). همچنین آن حضرت فرمود: در نزد خدای بلندمرتبه هیچ چیز محبوب‌تر از خانه‌ای نیست که با زمینه‌ای اسلامی از طریق ازدواج آبادگردد(حرعاملی، 1412ق، ج14: 30).

در قرآن آمده ‌است: «و از نشانه‌هاى او آن است كه از جنس خودتان همسرانى براى شما آفريد تا در كنار آنان آرامش يابيد و ميان شما و همسرانتان علاقۀ شديد و رحمت قرار داد؛ بى شك در اين (نعمت الهى) براى گروهى كه مى‌انديشند نشانه‌هاى قطعى است»[[11]](#footnote-11)(قرائتی، 1386، ج7: 188). از نظر قرآن، سرپرست خانواده، نسبت به اعضای خانواده مسئولیت دارد. در قرآن تاکید شده است که «ای مؤمنان! خود و خانواده خویش را از آتش دوزخ نگه دارید».[[12]](#footnote-12) امام صادق (ع) در پاسخ به این سؤال که چگونه زن و فرزند خود را از آتش حفظ کنیم؟ فرمود: آن ها را بدان چه خدا امر و نهی کرده، امر و نهی کن. اگر اطاعت کردند، تو ایشان را حفظ کرده‌ای و اگر تو را فرمانبرداری نکردند، آنان گناه‌کارند و تو آن‌چه را برعهده داشتی انجام داده‌ای(مجلسی، 1403ق، ج97: 2). فرزندان امانت الهی و نعمت و نشانه‌های خدا هستند[[13]](#footnote-13) و والدین دربارۀ سلامت، رشد، تعلیم و تربیت آنان مسئول‌اند[[14]](#footnote-14) و در برابر تربیت خوب پاداش[[15]](#footnote-15) و در برابر تربیت بد آنان کیفر خواهند دید. [[16]](#footnote-16)

از تربیت تعاریف متعددی شده ‌است. هر یک از اندیشمندان بر بعدی از تربیت توجه ‌نموده‌اند. برای نمونه «فارابی بر تربیت عقلی تاکید زیادی دارد و به تبعیت از ارسطو هدف تربیت را رسیدن به اعتدال می‌داند. در نظر ابوعلی‌سینا انسان موجودی مدنی بالطبع است و در تربیت باید به تفاوت‌های فرد توجه کرد. از نظر غزالی انسان مرکب از تن و روان است و کودک امانتی در اختیار والدین است و تربیت و پرورش او از ابتدای ولادت بسیار مهم است»(جاهد، 1387: 126). تعریفی از تربیت که در این پژوهش مد نظر است، عبارت است از: «فرایندی تعالی‌جویانه، تعاملی، تدریجی، یکپارچه و مبتنی بر نظام معیارهای اسلامی که به ‌منظور هدایت افراد جامعه به‌ سوی آمادگی برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همۀ ابعاد، زمینه‌های مناسب تکوین و تعالی پیوستۀ هویت ایشان را در راستای شکل‌گیری و پیشرفت جامعۀ صالح اسلامی فراهم می‌آورد»(سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰: ۱۰).

# مبانی نظری و پیشینۀ پژوهش

در تعالیم اسلامی بر ارزش تربیت فرزند در خانواده تأکید شده است. امام‌ رضا داشتن فرزند شایسته را از نشانه‌های سعادتمندی دانسته و فرموده‌اند: اگر خدای تبارک و تعالی برای بنده‌ای خیری مقرّر بفرماید، به او فرزندی شایسته و نیکوکار عنایت می‌نماید(طبرسی،219:1370). رسول خدا فرمود: «به ‌راستی اگر یکی از شما فرزند خود را تربیت و ادب کند، برای او بهتر است از تصدق هر روز به نصف صاع»[[17]](#footnote-17)(همان: 222) و این روایت بیانگر اهمیت تربیت در آن زمان است. حضرت علی نیز فرمود: «بخشش و هدیۀ هیچ پدری به فرزندش بهتر از ادب و تربیت پسندیده نیست»[[18]](#footnote-18)(همان). پدر و مادر وسيلۀ طبيعى براى به‌ وجودآمدن و رشد و تربيت‏ تكوينى فرزند و در حقيقت آنان رب ظاهرى فرزند هستند كه خداوند متعال با نيرو و فعاليت آنان فرزند را به وجود آورده است و اگر از نظر تربيت‏ روحى و معنوى نيز فعاليت و نيرو صرف كنند، از دو جهت ظاهرى و معنوى حق پيدا مى‏كنند. پس پدر و مادر در طريق خالقيت و ربوبيت الهى قرار گرفته و مظهر اين دو صفت پروردگار متعال نسبت به اولادند؛ ازاين‌رو تجليل و حفظ حرمت و اطاعت و خدمت و موافقت آنان، هم از نظر الهى و هم از نظر طبيعى لازم است. البته پدر و مادر نيز باید برنامۀ خودشان را در مسیر تربيت‏ و تعليم فرزند، با برنامۀ دينى و الهى وفق بدهند و فرزند را از خلاف و عصيان و دنياپرستى و تعلقات مادى، به ‌سوى اطاعت و بندگى پروردگار متعال سوق بدهند تا بدین طریق شک‌ و ترديد و اضطراب خاطر در دل‌هاى اولادشان به اطمينان و يقين تبدیل شود(جعفربن‌محمدامام‌صادق، ۱360: ۳۱۲).

امام‌سجاد نیز یکی از انسان‌های شاخصی است که حقوق مبتنی بر کرامت انسانی را مطرح کرده است. در *رسالۀ حقوق* امام ‌سجاد، حقوق افراد خانواده، خداوند، اعضای بدن، نفس انسانی و اعضای جامعه بیان شده است. امام‌ سجاد دربارۀ حق فرزند فرموده است:

و اما حق‏ فرزند تو اين است كه بدانى او از توست و در پسند و ناپسند دنياى زودگذر، دنباله‌روى توست و به‌درستى كه تو در تربيت نيكو و راهنمايى به‌سوى پروردگارش و يارى‌رسانى او در فرمان‌پذيرى از خداوند نسبت به خويشتن و حق فرزندت پرسيده خواهى شد. پس [اگر وظيفه‏ات را به انجام رسانى‏] پاداش گيرى و چون [كم‌كارى كنى‏] بازخواست شوى. پس كار فرزندت را چونان كسى‌كه كارش را در اين سراى زودگذر با نيكو ثمرى بيارايد، انجام بده و در روابط بين تو و فرزندت به‌ سبب نگهدارى خوب و ثمر الهى كه از او گرفته‏اى، نزد پروردگار، عذرت پذيرفته شده باشد[[19]](#footnote-19))ابن‌شعبه حرّانی، ۱۳۷۶: ۲۶۹). از دیگر مواردی که امامان معصوم بر آن تاکید داشته‌اند آغاز تربیت کودک است که از زمان انتخاب همسر آغاز می‌گردد. امام رضا(ع) هنگام تولد فرزندش حضرت‌جواد(ع) در مدح و ستایش همسر خود فرمود: «مقدس است مادری که او را به دنیا آورد و پاک و طاهر خلق شده است»[[20]](#footnote-20)(مسعودی، 1384: 216). و در حدیثی دیگر فرمود: «از تزویج دختر خود به شارب الخمر اجتناب‌كن، كه اگر به او زن دهى چنان است كه دلاّل زنا شده باشى»[[21]](#footnote-21)(مجلسی، 1403ق،ج79: 142)؛ زیرا بر اثر قانون توارث، ویژگی‌های اخلاقی و روانی پدر و مادر در سرشت کودک موثر است.

در رسالۀ امام‌ سجاد، یکی از شروط بسیار مهم و اساسی تعالی برای کودکان و بزرگ‌سالان، آزادی محیط زندگی است. در محیطی که زورگویی وجود دارد و در محیط مرگ‌بار استبداد، قطعاً امید به تعالی وجود ندارد؛ چراکه محیط آرام و آزاد، موجب شکفتگی استعدادها می‌شود؛ لذا در مکتب تربیتی اسلام تا آن‌جا که امکان دارد، مربی از زور استفاده نمی‌کند(حیدری‌ نراقی، ۱۳۸۶: ۵۳۵).

در اندیشۀ صاحب‌نظران غربی نیز سخنان بسیاری دربارۀ تربیت دیده می‌شود. روسو[[22]](#footnote-22) (۱۷۱۲-۱۷۷۸م) که اندیشه‌های تربیتی خود را در کتاب‌هایی مانند *امیل* بیان کرده و شیوۀ یک زندگی درست را برای فرزند خیالی خود ترسیم کرده است، معتقد است در زندگی پیش از آموختن هر حرفه، باید «حرفۀ انسان‌بودن» را آموخت. وی به این نکته اذعان می‌کند که می‌کوشد امیل چنان بار بیاید که بتواند در کارهای گوناگون، وظیفۀ خود را چون یک انسان انجام دهد، در موقعیت‌های گوناگون درست رفتار کند و بتواند رنج‌ها و خوشی‌ها را تحمل کند؛ یعنی برای زندگی‌کردن و خوب زندگی‌کردن آماده شود. تربیت آماده‌شدن برای زندگی است. البته خودِ دورۀ تربیت نیز دوره‌ای از زندگانی است و اهمیت خاصی دارد. ازاین‌رو، هیچ مرحله‌ای از زندگی نباید فدای مرحله‌های دیگر شود(نقیب‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۲۸)، بلکه زندگی باید بر اساس طبیعت شکل بگیرد. از نظر روسو، بهترین مربیِ کودک پدر اوست.

در برخی نظریه‌ها، با نظر به تعهد و التزامی که برای تربیت فرزند پیش روی خانواده قرار گرفته است، تربیت در خانواده بدون شناخت والدین از علم تربیت ممکن نیست. در برخی نظریه‌ها، یک بخش ضروری جامعه و مهد و بستر فرزندان برای رشد، خانواده است (وی جو[[23]](#footnote-23) و همکاران، ۲۰۱۷م) و توسعۀ فرهنگ آموزشی والدین، یکی از راه‌های درک خانواده توسط فرزندان است و می‌تواند به آن‌ها، در تعامل با فرزندان و پرهیز از اشتباه در زمینۀ تربیت خانوادگی کمک کند (ونرا و همکاران،[[24]](#footnote-24) ۲۰۱۶م). والدین و معلمان باید دربارۀ عوامل مؤثر در شکل ‌دادن سبک زندگی فرزندان آگاه باشند تا بتوانند شیوه‌های زندگی صحیح را در آن‌ها شکل دهند(تزکی و همکاران،[[25]](#footnote-25) ۲۰۱۶م).

یکی از نظراتی که در چند دهۀ اخیر در این زمینه مطرح شده، نظریۀ مینوچین است. وی خانواده را به ‌منزلۀ سیستم تعبیر کرد که در آن والدین، یک خرده‌سیستم اجرایی را تشکیل می‌دهند و مسئولِ فرزندان هستند. خانواده کارکردهایی از جمله اجتماعی‌شدن فرزندان و حمایت متقابل زوجین را دارد که از طریق خرده‌سیستم‌هایی با مرزهای مناسب به انجام می‌رسند. در مرزهای درهم‌تنیده یا بسیار انعطاف‌پذیر و گسسته، خانواده دچار بحران می‌شود؛ یعنی زمانی که فرزندان به استقلال نرسند یا از حمایت کافی برخوردار نشوند(دوئرتی و مک‌دانیل، ۱۳۸۹: ۲۷). به ‌نظر مینوچین، «در جوامع امروزی، خانواده اجتماعی‌کردن فرزندان را به‌ مرور زودتر رها می‌کند و راهنمایی و تربیت بچه‌های بزرگ‌تر را مدرسه، وسایل ارتباط جمعی و گروه هم‌سالان به‌ عهده می‌گیرند؛ در صورتی‌ که جامعه منابع برون‌خانگی مناسب برای اجتماعی‌کردن و حمایت ایجاد نکرده است»(مینوچین، ۱۳۸۱: ۷۹).

نظریۀ سیستم‌ها می‌گوید که رفتار انسان تحت‌تأثیر کسانی که با آن‌ها تعامل می‌کنیم قرار دارد و حتی به‌ واسطۀ آن تنظیم می‌شود(دوئرتی و مک‌دانیل، ۱۳۸۹: ۷۹). برای مثال آزمایش «خوزه دلگادو»،[[26]](#footnote-26) به ‌نقل از مینوچین مثال بارزی از وابسته‌ بودن پرخاشگری به وضعیت محیطی است که پرخاشگری در آن بروز می‌کند. دلگادو میزان تحریک پرخاشگری را در چند آزمایش ثابت نگه می‌دارد و محیط را دستکاری می‌کند. تغییر محیط، تغییر در میزان بروز رفتار پرخاشگرانه را به ‌دنبال دارد(مینوچین، ۱۳۸۱: ۱۴).

ویرجینیا ستیر (1388) به‌عنوان یک روان‌درمانگر انسان‌گرا، به ایجاد عزت‌نفس و خودارزشمندی و نیز خودشکوفایی در افراد خانواده باور دارد. میان افراد خانواده احساساتی است که اگر این احساسات شناخته نشوند و به درون ریخته شوند، ریشه‌های رفاه خانوادگی از بین می‌رود و عزت‌نفس افراد خانواده کم می‌شود. به‌ عقیدۀ او، پدر و مادر باید از روابط خانوادگی آگاهی داشته باشند. وی شرط اصلی همدلی، احترام مثبت نامشروط و هماهنگی و یکپارچگی کارل ‌راجرز را اجرا کرد. از نظر نوا‌بی‌نژاد(۱۳۸۰)، جو عاطفی خانواده ضامن سلامت و شکوفایی فرزندان است. والدین باید فضایی آرام، متعادل و حمایت‌کننده را برای فرزندان خویش مهیا کنند. میلگرام (۱۹۹۰م) نیز همچون نوابی‌نژاد، وضعیت مناسب خانوادگی، نحوۀ ارتباط والدین با فرزندان، رفتار و نگرش والدین و کمیت و کیفیت علاقه‌مندی آن‌ها را در رشد توانایی‌های فرزندان مؤثر دانست.

از دیدگاه برخی صاحب‌نظران، هر قدر میان اعضای خانواده ارتباط کلامی و عاطفی بیشتر باشد، روابط اعضای آن خانواده، سالم‌تر و بانشاط‌تر و استوارتر است. «فرار از خانه» پاسخ و واکنشی بارز و گویا به ستیزه‌ها، طردها، مجادله‌ها و ترس‌هاست که به‌ شکل اعتراض و انتقام‌جویی و ابراز خشم و نفرت در مقابل آشفتگی‌های خانوادگی و بی‌عدالتی‌های حاکم در خانواده و در جامعه بروز می‌کند(به‌پژوه، ۱۳۷۸: ۴۸-۴۹). اصولاً خانواده‌های سالم الگوهای ارتباطی خوبی دارند(شعاع‌کاظمی و سیف، ۱۳۸۹: ۵۵). رابطۀ خوب، رابطه‌ای است که برابر باشد و در آن طرفین حقوق و وظایف برابری داشته باشند. در چنین رابطه‌ای، طرفین به یکدیگر احترام می‌گذارند و بهترین را برای هم می‌خواهند. رابطۀ خالص، بر ارتباط متکی است و درک نگاه طرف مقابل در آن ضرورت دارد(گیدنز، ۱۳۹۵: ۸۹). پرورش، مراقبت و تعاملات حمایت‌آمیز است که بقا و ادامۀ زندگی را در دنیای مرموز امروز تضمین می‌کند و آنچنان با واقعیت درهم آمیخته است که بدیهی انگاشته می‌شود(مینوچین و فیشمن، ۱۳۹۷: ۳۵۳). در پژوهشی، اندر و ایلماز[[27]](#footnote-27) (۲۰۱۲م) نشان دادند که افزایش رضایت از زندگی به‌ دست‌ آمده از سبک زندگی حمایتی خانواده، باعث می‌شود نوجوانان بزهکاری کمتری داشته باشند. وجود هرگونه بحران در کودکان و نوجوانان مانند سردرگمی در هویت‌یابی، بزهکاری، بیماری‌های روحی و روانی، واکنش‌های اضطراب، افسردگی، پناه‌بردن به مواد مخدر و بسیاری از ناهنجاری‌های رفتاری در میان کودکان، زاییدۀ تحولات و دگرگونی‌های سریع اجتماعی و حمایت‌نکردن عاطفی خانواده است و تربیت صحیح کودکان[[28]](#footnote-28) در خانواده، به‌ عنوان یکی از مقوله‌های اساسی و بنیادین برای سعادت آن‌ها ذکر شده‌ است.

در واقع پژوهش‌های بسیاری در زمینۀ تربیت فرزند از منظر امام‌رضا انجام شده است؛ اما تاکنون روش و رفتار امام‌رضا از منظر تربیت فرزند در خانواده، به‌ صورت یک موضوع مستقل، بررسی و تحلیل نشده است و همواره این رویکردها به ‌صورت تابعی از مباحث تربیتی امام مطرح شده است. برای مثال موسوی و دیگران (۱۳۹۷) تربیت اعتقادی را مهم‌ترین بخش از نظام تربیت دینی می‌دانند و روش‌هایی مانند تکرار مفروضات بدیهی، ایجاد انس و احساس محبت به خداوند، عقل‌گرایی، علم‌آموزی، استدلال‌محوری، پاسخ به شبهه و ابطال دیدگاه‌های رقیب را از سیرۀ حضرت‌ رضا استنباط کرده‌اند. شریعتی و صحرایی (۱۳۹۸) در مقالۀ خود به «بررسی نقش والدین در تربیت عاطفی کودک با بهره‌گیری از سیرۀ امام‌رضا» پرداخته‌اند. در این مقاله، هم‌سویی بینش‌ها، اندیشۀ ازخود دانستن فرزند، تکریم و احترام متقابل، حسن رفتار، همدلی، خوش‌رویی، محبت، هدیه‌دادن و الگوی شایسته ‌بودن از کارهایی است که والدین باید در تربیت عاطفی انجام دهند. واسعی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «تعامل با خانواده در سنت رضوی (رویکرد تبارشناسانه)» نتیجه گرفته است که انگیزۀ محوری امام در استناد به کلام رسول خدا و پیشوایان پیشین، امام‌علی و امام‌صادق، علاوه بر دغدغۀ احیای سنت اسلامی و ترویج ارزش‌های دینی، ایجاد پشتوانه برای سخنان و اظهارنظرهای خویش است. این عاملی است که در تبلیغ و تبیین دین برای تنفیذ کلام و تسلیم مخاطب ضرورت دارد.

در این پژوهش، مقولۀ تربیت فرزند در خانواده از منظر سیرۀ امام‌رضا بررسی می‌شود. در این راستا، پژوهش حاضر به پرسش‌ زیر پاسخ می‌دهد.

۱. در سیرۀ امام‌رضا چه رویکردهایی برای تربیت فرزند در خانواده متصور است؟

# روش پژوهش

رویکرد پژوهش از نوع پژوهش کیفی است. این نوع پژوهش، اطّلاعات خود را با ارجاع به عقاید، ارزش‌ها و رفتارها در بستر اجتماعیِ دست نخورده به‌دست می‌آورد(محمدپور، 1392، ج1: 93). پژوهش کیفی در معنای گستردۀ آن یک اصطلاح انسان‌مدار است و مانند زمینه‌های دیگر بررسی‌های انسانی، بر این اساس پیش می‌رود که ما به‌گونۀ فردی یا جمعی، دنیایی را که در آن زندگی می‌کنیم، خلق می‌نماییم و باید نسبت به آن احساس مسئولیت کنیم و بتوانیم آن را به‌گونۀ متمایز و متفاوتی بسازیم(هومن، 12:1385).

در این پژوهش، به روش توصیفی‌ و تحلیلی و با هدف بررسی رویکردهای تربیت فرزند در خانواده در سیرۀ امام‌رضا ، ابتدا با مروری بر مطالعات انجام‌شده در حوزۀ خانواده، به مبانی نظری در این خصوص پرداخته می‌شود. آن دسته از احادیث و روایات و تئوری‌ها که دلالت‌ها و اشارات مستقیم با بحث تربیت فرزند در خانواده داشته و به صورت ضمنی و تلویحی مرتبط با سیرۀ نظری و عملی حضرت در این زمینه است، استفاده می‌گردد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها فیش‌برداری است. در ادامه، ساختار کلی مقاله بر ارائۀ مبانی نظری منسجم در حیطۀ سیرۀ امام سازمان‌دهی می‌شود. از آن‌جا که سند فلسفۀ تربیت در جمهوری اسلامی ایران جامعیت بیشتری دارد و محتوای آن متناسب با فرهنگ جامعه است، بخشی از مبانی نظری در حوزۀ تربیت از این سند انتخاب خواهد شد. مبانی نظری سند فلسفۀ تربیت مربوط به تربیت رسمی و عمومی است؛ اما بسیاری از مؤلفه‌های آن، از جمله ساحت‌های تربیت را می‌توان به حوزۀ تربیت در خانواده نیز تعمیم داد و ماهیت بین‌رشته‌ای این پژوهش نیز به ‌لحاظ دیده‌ شدن بحث تربیت فرزند در حوزۀ خانواده‌ است که یکی از ویژگی‌های اصلی پژوهش حاضر است. در ادامه، رویکردهای تربیت فرزند و مضامین آن که در سیرۀ امام‌رضا مشهود بوده، با ذکر شواهد و اسناد توصیف و تحلیل می‌شود. به‌ دلیل محدودیت در ظرفیت پژوهش، تنها برخی از روایات در این حیطه بررسی می‌شود و رویکردهای به ‌دست‌ آمده بخشی اندک از سیرۀ امام‌رضا؛ را بازگو می‌کند و قطعا همۀ موارد سیره در این مقوله نمی‌گنجد.

# یافته‌های پژوهش

## تربیت فرزند در خانواده با توجه به سیرۀ امام‌رضا؛

شواهد به ‌دست‌آمده از پژوهش نشان ‌داد که در سیرۀ امام‌رضا، تربیت در خانواده مقولۀ مهمی در زندگی است و به تدبیر و درایت کافی نیاز دارد. به ‌نظر می‌رسد سیرۀ نظری و عملی امام‌رضا که «وی را عالم‌آل‌محمد نیز نامیده‌اند»[[29]](#footnote-29)(طبرسی، ۱۴۱۷ق، ج2: ۶۴)، می‌تواند روشنگر خطِ ‌مشی خانواده برای تربیت فرزند در جامعۀ امروز باشد. در این قسمت، ابتدا مبانی مرتبط با ساحت‌های تربیت آمده، سپس همراه با هر ساحت به توصیف و تحلیل سیره پرداخته شده است.

**تربیت دینی**

تربیت اعتقادی و عبادی

«ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی بخشی از جریان تربیت است که ناظر به رشد و تقویت مرتبۀ قابل ‌قبولی از جنبۀ دینی و اخلاقی حیات طیبه در وجود متربیان و ایمان متربیان به مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌ها و اعمال، در راستای تعالی هویت دینی و اخلاقی است»(مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم ‌و تربیت رسمی عمومی، ۱۳۹۰: ۲۹۹). مخاطب اصلی دین، فطرت انسان‌هاست و رسالت اصلی آن هم شکوفاکردن همین فطرت انسانی است.

 شهید مطهری عقیده دارد «آنان که در خدمت انسان‌اند و اومانیست واقعی به‌ شمار می‌روند، ملاک‌های انسانی و استعدادهای ویژۀ انسانی و شخصیت و سرشت انسانی و بالاخره فطرت انسانی را در نظر می‌گیرند. این افراد انسان را بر اساس فطرت رشد می‌دهند»(مطهری، ۱۳۷۷، ج۱۱: ۸۲). یکی از ویژگی‌های رویکرد ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، فطرت‌مداری است. خانواده در پرورش انسان بر اساس فطرت نقش بارزی دارد. در صورتی که فطرت انسانی در خانواده نادیده انگاشته شود، کار مدرسه در امر تربیت دشوار می‌شود. فطرت‌مداری یعنی اینکه همۀ انسان‌ها با یک سرشت نیکو متولد می‌شوند، همه در ذات خود دارای کرامت‌اند، همه عدالت را دوست دارند و بالاخره همۀ آنچه خوب است، مانند راستی و درستی، میل به آن در وجود هر انسانی در هنگام خلقت، سرشته است. پیامبران الهی در تربیت انسان‌ها، به این میل ربوبی که رنگ خدایی دارد، توجه داشتند.

 سیرۀ امام‌رضا، نیز در تربیت اعتقادی و عبادی، بر اساس فطرت انسانی و بر روش عملی استوار بود. به ‌عنوان مثال در عرصۀ تربیت دینی فرزند، توصیه می‌کردند که در خانه اذان بگویید؛ چون فرزندان از همان کودکی با آن ذکر آشنا می‌شوند[[30]](#footnote-30) (کلینی‌رازی، 1407ق، ج3 : 308) و نیز به والدین توصیه می‌کنند که کودک به‌ منظور دستگیری از نیازمندان و کمک به دیگران و نیز حفظ خود و خانواده‌اش از خطرها و حوادث، از همان دوران کودکی، صدقه بدهد: «کودک را امر کن تا با دست خود صدقه بدهد؛ اگرچه کم باشد، هرچیزى که براى رضاى خداوند داده شود، اگرچه کم هم باشد، در نزد خداوند بزرگ است»[[31]](#footnote-31)(کلینی، 1407ق، ج4: 4).

دربارۀ دعوت فرزندان به نماز و آشنایی آن‌ها با این فریضۀ عبادی، امام‌رضا می‌فرماید: «پسران باید در سنین هفت سالگی به نماز وادار شوند»[[32]](#footnote-32)(ابن بابویه، 1413ق، ج3: 436). همچنین بنابر سیرۀ رضوی بسیار لازم و ضروری است که والدین به فرزندان خود قرآن را آموزش و ایشان را در فضایی معطر به عطر قرآن پرورش دهند. امام‌رضا، فرموده‌اند: «برای خانه‌های خود، نصیب و بهره‌ای از قرآن (یعنی تلاوت و تدبر در آن) قرار دهید. زیرا هرگاه قرآن در خانه خوانده شود (در رزق و روزی و سایر امور) بر اهل آن گشایش و آسایش قرار داده شود (و خیر و برکت و لذت زندگی در آن بسیار گردد) و ساکنین آن در معرض ازدیاد و افزایش نعمت باشند»[[33]](#footnote-33)(حرعاملی، 1409ق، ج6: 200). بنابراین خانه‌ای که اهلش اهل قرآن‌اند، از برکت قرآن رشد عقلی و فکری پیدا می‌کنند که عقل هماهنگ با قرآن، عقل ملکوتی و سودش عبادتِ حق و تحصیل بهشت جاودانی است(سالاری فر، 1385، 343-341). کودک به طور معمول سخن‌گفتن، آداب معاشرت، آداب و سنن دینی را در محیط خانه فرا می‌گیرد و اگر والدین به دستورات دینی اهمیت دهند و موازین اخلاقی را رعایت کنند، بی‌شک این گونه عمل بر روح و روان کودک تأثیر می‌گذارد(یوسفیان، 1389، 108). امام ‌رضا در همان مدت کوتاهِ زندگی با فرزندش برای او الگوی عملی کاملی بود. ضمن اینکه بیشتر به عمل فرزندش توجه می‌نمود.

تربیت اخلاقی

 دین، هدف بالذات تکوین و تشریع را نیل به فضایل عالی اخلاقی می‌داند. در اکثریت آموزه‌های دینی مستقیم از موضوعات اخلاقی بحث شده است. براین‌اساس، قبول تغییرپذیری و ثبات نداشتن احکام اخلاقی به معنای عصری و موقتی شدن تعالیم دینی و انکار کمال و حاکمیت دین است و نسبیت اخلاقی با جاودانگی دین که از شئون کمال و خاتمیت آن است، درتعارض است(مطهری،1388،ج1: 182). در سیره و تعالیم رضوی که برگرفته از مکتب پیامبر است، قانون‌گذار حقیقی گزاره‌های اخلاقی، خداوند است.

 امام‌رضا(ع) به رابطۀ متقابل ایمان و اخلاق اشاره نموده و به نقل از رسول خدا فرمود: «بهترین مردم ازنظر ایمان، خوش‌خوی‌ترین و مهربان‌ترین آن‌ها نسبت به خانواده‌اش است و من مهربان‌ترین شما به خانواده‌ام هستم»[[34]](#footnote-34)( علی‌‍‌‌‌‌بن‌موسی‌الرضا، بی‌تا: 51-52). و نیز فرمودند: «بد اخلاقی عمل را تباه می‌کند، چنانکه سرکه عسل را تباه می‌کند»[[35]](#footnote-35)(ابن‌بابویه، 1404ق: 37، ج2). امروزه تجارب، حاکی از آن است هر جا که اخلاق خوب در زندگی سایه افکنده، استحکام نهاد خانواده را تضمین کرده است. بسیاری از مشکلات و حتّی قتل‌ها، به‌ دنبال بد اخلاقی‌ها در خانواده به ‌وجود آمده که تبعات آن به جامعه هم رسیده است. خوش‌اخلاقی یکی از شرایط ضروری برای انتخاب همسر است. در واقع برای هر گونه تربیت اخلاقی فرزند، ابتدا والدین باید در خانواده گشاده‌رو و با اخلاق باشند. تربیت اخلاقی بر پایۀ منابع الهی حکم می‌کند که انسان‌ها برای بهتر شدن زندگی، به فضیلت‌های اساسی اخلاقی روی آورند.

 نمونۀ دیگر از سخنانی که حضرت مطرح می‌کند، در مقولۀ اخلاق اجتماعی است و اخلاق نیک را پس از ایمان به خداوند معرفی می‌کند. حضرت رضا فرمود: «پس از ایمان به خداوند، نخستین عملی که عقل آدمی انسان را به آن ارشاد می‌کند، محبّت و دوستی با مردم و احسان و نیکی با نیکوکاران و بدکاران است»(عطاردی، 166:1363). دوستی با مردم مد نظر شارع مقدس بوده و پیروان خود را همواره در این امرتوصیه فرموده است.

 حضرت با همه مردم با مهربانی و تواضع و تبسّم و کریمانه رفتار می‌کردند. چنانکه می‌فرمودند: «لازم ‌است با همه اطفال و بزرگ‌سالان، با احترام و ادب رفتارکنید»(نوری‌طبرسی، 1408ق، ج3: 67). همچنین می‌فرمودند: «با عموم مردم با گشاده‌رویی برخوردکنید»(مجلسی، 1403ق، ج71: 167). امام‌ رضا برخورد و معاشرت مناسب و مهربانی با دیگران را بسیار مهم می‌دانست و خود با رعایت آن‌ها، در دل‌های دیگران نفوذ کرده‌ بود. ایشان می‌فرمود: «پیامبر با مردم به‌خوبی معاشرت می‌فرمود و با نرمی و آرامش با آن‌ها سخن می‌گفت»(عطاردی، 1406ق، ج2: 477). در روایت دیگری ابراهیم‌بن‌عباس می‌گوید: «هیچ‌گاه ندیدم که امام ‌رضا در سخن بر کسی جفا ورزد و نیز ندیدم که سخن کسی را پیش از تمام ‌شدن قطع کند. هرگز ندیدم به کسی از خدمتکاران و غلامانشان بدگویی کند، خندۀ ایشان قهقهه نبود؛ بلکه تبسم بود؛ چون سفره غذا به‌ میان می‌آمد همه افراد خانه حتی دربان و مهتر را نیز بر سفره خویش می‌نشاند و آنان همراه با امام غذا می‌خوردند»(ابن‌بابویه، 1378، ج2: 184). ایشان با همه خوش‌اخلاق و مهربان بودند؛ چرا که بداخلاقی را نابودکنندۀ اعمال می‌دانستند و به سرکه‌ای تشبیه می‌کردند که شیرینی عسل را از بین می‌برد»(همان: 37). ایشان در این زمینه الگوی خوبی برای فرزند خود بوده ‌است. حضرت معتقد بودند: «زندگی کسی که دیگران از پرتو زندگی ‌او، زندگی خوبی داشته باشند، بهتر است»[[36]](#footnote-36)(ابن‌شعبه حرّانی، 1376: 448). در مقابل، مردم را از بد اخلاقی، جدل، دشمنی و به‌کارگیری صفات رذیله نسبت به یکدیگر به شدت نهی می‌فرمودند و عاقبت این کارها را درخواست شدیدترین مجازات از سوی خداوند برای آنان بیان می‌کردند[[37]](#footnote-37)(مجلسی، 1403ق، ج71: 230).

 امام‌رضا بر خوش‌اخلاقی و خوش‌رفتاری با خانواده تأکید فراوان داشتند. اهمیت این مطلب تا بدانجاست که حضرت به نقل‌از رسول خدا به کسانی‌که در خانواده‌شان، حُسن اخلاق را محور و سرلوحه رفتار و گفتار خود قرار می‌دهند، چنین مژده می‌دهند: «در قیامت کسی به من نزدیک‌تر است که در دنیا خوش‌اخلاق‌تر باشد و با خانواده خودش نیکوکارتر»[[38]](#footnote-38)(ابن‌بابویه، 1378، ج2: 38). در سیره امام رضا به فرزند دوستی و خوش‌اخلاق‌ بودن با کودکان و پرهیز از هرگونه رفتار تند و تنبیه بدنی نیز بسیار توصیه شده است. امام ‌موسی‌کاظم ، پدرِ امام ‌رضا در این زمینه فرمودند: «فرزندت را کتک نزن و برای ادب‌کردنش با او قهر کن؛ هرچند نباید این قهر طولانی شود»[[39]](#footnote-39)(مجلسی، 1403ق، ج101: 99). در عرصۀ تربیت فرزند هم به سخت‌گیری بیش ‌از حد یا دخالت‌های نابجای والدین هشدار داده و از پدر و مادر، ملایمت و ملاطفت بیشتری نسبت به فرزندان طلب می‌نمودند[[40]](#footnote-40)(حرعاملی، 1409ق، ج4: 20). بنابرآنچه گفته شد، در میان روش‌های تربیت اخلاقی فرزند، روش عملی به ‌دلیل کاربردی ‌بودن، از نفوذ و تأثیرگذاری فراوانی برخوردار است. بنابراین به ‌جای‌آنکه آموزه‌های دینی و تربیتی را به ‌صورت دستوری بیان کنیم، باید با اعمال و رفتار، این امور را به کودکان خویش آموزش دهیم؛ چراکه چشمان کودکان از تمام حرکات و سکنات والدین و خانواده فیلم‌برداری می‌کند. از این رو تربیت فرزند بیش‌ازآنکه با آموزه‌های کلامی و ارتباط زبانی صورت گیرد، مبتنی بر رفتار عملی است.

## تربیت اجتماعی

ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی، بخشی از جریان تربیت ناظر به کسب شایستگی‌هایی است که متربیان را قادر می‌سازد شهروندانی فعال و آگاه باشند و در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مشارکت کنند(مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم‌وتربیت رسمی عمومی، ۱۳۹۰: ۳۰۲). تربیت اجتماعی عبارت است از تأمین تمهیدات لازم برای متجلی‌ ساختن ارزش‌ها و ضوابط مطلوب اجتماعی در فرد، به‌ منظور مؤثر بودن او در برخوردهای اجتماعی، اعم از هدایت دیگران، مخالفت با نظرات غیرمنطقی، توافق و سازگاری و اموری نظیر آن‌ها (همان). گفتنی است در سند تحول، مخاطب اصلی، نهادهای تربیتی از جمله مدرسه بوده است؛ اما خانواده در ساختن و پرداختن هویت اجتماعی و کسب مهارت‌های لازم برای حضور و نقش‌آفرینی در جامعه نقش ویژه‌ای دارد. هرگاه خانواده تربیت اجتماعی را رها کند و این مسئولیت را به مدرسه یا جامعه بسپارد و مدرسه نیز به ‌دلایل عدیده‌ای از پسِ این مسئولیت برنیاید، ناهنجاری‌های اجتماعی اوج می‌گیرد. از آن‌جا که هنجارها مبتنی بر ارزش و قانون است، در تربیت اجتماعی و سیاسی، توجه به مباحث ارزشی و اخلاقی و قوانین جامعه باید در اولویت قرار گیرد. این مسئله در مراحل اولیه در خانواده شکل می‌گیرد و کودک، حقوق و مسئولیت اجتماعی خود را در این جامعۀ کوچک تمرین می‌کند.

## پرورش هویت اجتماعی

این مقوله با نگاهی به انسان، به ‌عنوان موجودی اجتماعی، به شکل‌گیری شخصیت انسانی و فراهم‌ شدن شرایط رشد او در جامعه اشاره دارد. رفتار امام‌ رضا با فرزندش حکایت از اهمیت ایشان به پرورش هویت اجتماعی دارد. آن حضرت با اخلاق انسانی و فضایل اخلاقی، علاوه بر آنکه روابط اجتماعی خود را تحکیم می‌بخشید و خود از فعالان سیاسی بود، فرزند خود، امام‌جواد، را نیز فردی اخلاقی و به ‌لحاظ روابط اجتماعی شایسته تربیت کرد؛ برای مثال زمانی ‌که حضرت در مرو بود، نامه‌ای به فرزندش امام‌جواد نوشت که مضمون آن این‌گونه بود:

ای ابوجعفر! شنیده‌ام هنگامی که سوار مرکبت می‌شوی، غلامان تو را از درب کوچک بیرون می‌برند. این از بخل آن‌هاست؛ زیرا نمی‌خواهند خیر تو به کسی برسد و تو انفاق کنی. به‌حقی که من بر گردن تو دارم، از تو می‌خواهم که رفت‌وآمدت، فقط از درب بزرگ باشد. هنگامی‌ که بیرون می‌روی، زر و سیم با خود داشته باش و هرکس از تو چیزی خواست، باید به او بدهی. من می‌خواهم به این وسیله، خدا تو را بزرگ کند و توفیق دهد. انفاق کن و نترس از اینکه روزی‌ات کم شود یا تهیدست شوی[[41]](#footnote-41)(کلینی ، ۱۴۰۷ق، ج۴: ۴۳).

حضرت با این درخواست از فرزندش، او را در یک موقعیت اجتماعی قرار می‌دهد و به فرزندش نقش‌های اجتماعی می‌دهد تا امام‌جواد روابط خود را با مردم حفظ کند و به آن‌ها کمک کند. به او متذکر می‌شود که به ‌وسیلۀ کمک به مردم، خداوند او را بزرگ می‌کند. به‌ نظر می‌رسد منظور از بزرگ ‌شدن، رشد یافتن و ارزشمند شدن و مقام عالی پیداکردن است. در این‌جا حضرت، یک نظام اخلاقی مبتنی بر اخلاق عملی را در فرزند خود شکل می‌دهد که پیامد آن رعایت حقوق و اخلاق اجتماعی است؛ همان‌ چیزی که به ‌خاطر آن مکاتب گوناگون در جهان ظهور یافته و هر یک به ‌نوعی پیرامون آن سخن گفته‌اند. این نکته حائز اهمیت است که حضرت برای سعادت فرزندش، آن‌گونه برنامۀ زندگی را یادآوری می‌کند که هم به اخلاق فردی توجه دارد و هم به اخلاق اجتماعی. نکتۀ اساسی دیگر در این روایت، استمرارِ هدایتِ فرایند تربیت است. دغدغۀ این مسئله برای حضرت تا به آن‌جاست که حتی در سفر هم از آن غافل نمی‌شود.

اما سؤال این‌جاست که چرا پرورش هویت اجتماعی لازم است؟ برای پاسخ به سؤال ابتدا باید هویت اجتماعی را تعریف کرد. در سند فلسفۀ تربیت، هویت این‌گونه تعریف شده است: «انسان با داشتن فطرت الهی، برخورداری از عواطف و تمایلات و استعدادهای طبیعی و تأثیرپذیری نسبی از عوامل محیطی و وراثتی، بر اثر نوع استفاده از عقل خویش و چگونگی درک موقعیت‌های مختلف و نحوۀ مواجهۀ اختیاری با آن‌ها، به‌تدریج واقعیتی مشخص و سیال در دو بعد فردی و جمعی می‌یابد که از آن با نام هویت و در تعبیر قرآنی با نام شاکله، از آن یاد می‌شود»(مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم‌وتربیت رسمی عمومی، ۱۳۹۰: ۱۳۱) و در بیان وجه جمعی هویت که همان هویت اجتماعی است، در سند مذکور آمده است: «وجه جمعی هویت ناظر به وجوه مشترک شخصیت فرد با دیگران است که شامل لایه‌های متعددی، مانند هویت انسانی، هویت دینی/مذهبی، ملی، قومی، جنسیتی، حرفه‌ای و خانوادگی می‌شود» (همان: ۱۳۳). خانواده اولین ومهم‌ترین بستر برای پرورش هویت‌ اجتماعی است.

امام‌رضا در روایت مختلفی بر رعایت معیارهای فردی به‌منظور حفظ برقراری ارتباط جمعی، تأکید کرده‌اند. از جمله دربارۀ ویژگی‌های یک فرد کامل فرموده‌اند:

- خیرخواه دیگران باشد؛ از بدى او در امان باشند؛ خير اندک ديگرى را بسيار شمارد؛ خير بسيار خود را اندک شمارد؛ هرچه حاجت از او خواهند، دل‌تنگ نشود؛ در عمر خود از دانش‌طلبى خسته نشود؛ فقر در راه خدا نزدش از توانگرى محبوب‌تر باشد؛ خوارى در راه خدا را از عزت نزد دشمن بهتر بداند؛ گمنامى را از شهرت بیشتر بخواهد؛ سپس فرمودند: «شگفتا از ویژگی دهم. شخصی پرسید که چيست؟ فرمود: احدى را ننگرد جز اينكه بگويد او از من بهتر و پرهيزکارتر است»(ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۷۶: ۴۶۷).

از دیگر مصادیق مهم بیان ‌شده در کلام امام‌ رضا در حوزۀ هویت اجتماعی، می‌توان به مهارت مردمداری، دوست‌یابی، گوش‌دادن و همدلی با دیگران اشاره کرد که هرکدام‌شان زیرمجموعه‌های بسیاری دارند(شرفی، ۱۳۸۸: ۶۹). در فراسوی بسیاری از کارهایی که افراد انجام می‌دهند و تلقی‌ها و تفکراتی که دارند، مفهوم هویت نهفته است. هویت سطوح مختلفی دارد. در سطح فردی از طریق قوای فردی شکل داده می‌شود و درنهایت شخصیت فردی افراد را می‌سازد. هویت در سطح اجتماعی از نیاز انسان در بودن به عنوان فردی از گروه‌های مختلف شکل می‌گیرد و این سطح از هویت باعث می‌شود که افراد در گروه‌های متنوعی از جامعه عضویت یابند(مهدی‌زاده، 1390: 58). «هويت جمعی در معنی همسانی با ديگران، با پيوستگی و عضويت افراد در گروه‌ها و مقوله‌ها ارتباط دارد؛ بدين ‌معنی كه در اين رويكرد افراد بر اساس شباهت‌ها و همسانی‌هایشان با يكديگر در مقوله‌هايی دسته‌بندی می‌شوند»(ابوالحسنی، ۱۳۸۸: ۳۰). با توجه به آنچه گفته شد، بر اساس نظر تحلیل‌گران این حوزه، هرگونه تغيير در هويت فردی، سبب تغيير در هويت اجتماعی می‌شود؛ يعنی اگر فرد فرد هر جامعه‌ای درصدد باشند كه به‌ صورت خواسته يا ناخواسته ارزش‌های زندگی خود را در شكل و محتوا تغيير دهند، در طول زمان هويت اجتماعی نيز دچار تغيير می‌شود و اين تغيير در نهايت به‌ سمت تغيير در هويت ملی نيز منجر می‌شود. هویت ملی مجموعه‌ای اعتقادی، روانی، ارزشی و عاطفی است كه همۀ افراد اجتماع را به هم پيوند می‌دهد و سبب تفاوت يک جامعه از جامعۀ ديگر می‌شود.

هویت اجتماعی بیانگر تشابهات فردی است. در این بعد، فرد خود را بر مبنای وابستگی‌های گروهی یا طبقاتی تعریف می‌کند. «تاجفل» هویت اجتماعی را دانش فرد از تعلق به گروه اجتماعی خاص و اهمیتی می‌داند که برای این عضویت و تعلق قائل است. او توقع دارد گروهش ویژگی‌هایی داشته باشد که با ویژگی‌های سایر گروه‌ها قابل‌ رقابت باشد(تاجفل ، ۱۹۷۸: 63).

از آن‌جا که سبک زندگی، هویت افراد را مشخص می‌کند، می‌توان اظهار داشت که مرزهای سبک زندگی تعیین‌کنندۀ مرزهای هویتی است و می‌تواند هویت افراد را متجسم کند(میرزمانی، ۱۳۹۱: 88). برای فهم هویت اجتماعی در سیرۀ امام‌ رضا، باید به چند مقوله توجه اساسی شود. مقوله‌هایی که ناظر به ارتباط فرد با فرد یا افراد با دیگران است و لازمۀ این ارتباط، شناخت درست فرد از خویش و داشتن انتظاراتی معقول و منطقی از دیگران متناسب با ویژگی‌های شخصیتی خود است که به برقراری ارتباط مطلوب منجر خواهد شد(شرفی، ۱۳۸۸: ۵۶). یکی از روش‌های ارتباطی، گفت‌وگوست. اگرچه به ‌نظر ساده می‌آید، اما در شکل‌گیری هویت اجتماعی بسیار مؤثر است.

## گفت‌وگو

می‌توان گفت که انسان در اجتماع و طی فرایند اجتماعی ساخته و تعریف می‌شود. یکی از مقوله‌هایی که در فرایند اجتماعی‌شدن اهمیت می‌یابد گفت‌وگوست. گفت‌وگو نوعی گفت‌وشنود است که در آن ارتباط و تعامل با افراد، گروه‌ها و واحدهای اجتماعی موجود در جامعه رخ می‌دهد. خانواده اولین مکانی است که هر فردی می‌تواند گفت‌وگو را در آن‌جا تجربه کند. امام ‌رضا یکی از راه‌های ارتباط با خانواده و نزدیکان را استفاده از فرهنگ سخن‌گفتن و رابطه برقرارکردن بر اساس دوستی و ‌محبت می‌دانستند و آن را به ‌مثابۀ یک کانال ارتباطی برای اظهار دوستی و ‌محبت به آنان به‌ کار می‌بردند. انس و الفت در قالب گفت‌وگو به‌عنوان یک ابزار قدرتمند، در ارج ‌نهادن به انسان و شایستگی او در داشتن ایده و فکر منحصر به ‌فرد و توجه به نظر و عقیدۀ فرد در خانواده در سیرۀ حضرت مشهود بود.

یاسر، خادم امام‌ رضا می‌گوید:

روش امام چنین بود که چون خلوت می‌کرد، حشم‌وخدم خود را از کوچک و بزرگ جمع و با آن‌ها گفت‌وگو می‌کرد و خود را مأنوس و مونس آنان می‌ساخت و طریقۀ آن حضرت در هنگام غذاخوردن این بود که چون سفرۀ غذا را برای آن بزرگوار حاضر می‌ساختند، کوچک و بزرگ، حتی میرآخور و حجامت‌کننده را در کنار خود می‌نشاند و با آن‌ها غذا می‌خورد(ابن‌بابویه، ۱۳۷۸، ج۲: ۱۵۹).

صحبت یا گفت‌وگو، اساس ایجاد رابطۀ کارآمد است. رابطۀ افراد زمانی به بهترین شکل عمل می‌کند که مسائل زیادی را از هم پنهان نکنند. باید میان آن‌ها اعتماد متقابل وجود داشته باشد. اعتماد هم چیزی است که ساخته می‌شود و نباید وجود آن را بدیهی فرض کرد. در رابطۀ خوب، اعمال قدرتِ دل‌بخواهی، فشار یا خشونت وجود ندارد(گیدنز، ۱۳۹۵: ۹۰).

امام‌ رضا سردمدار این حرکت فرهنگی، یعنی فرهنگ گفت‌وگو بود؛ از جملۀ این موارد می‌توان به مناظرات علمی حضرت‌ رضا با مأمون و فیلسوفان اسلامی و غیراسلامی اشاره کرد(ابن‌بابویه، ۱۳۷۸، ج۱: ۱۵۴ - ۱۷۸). اما آنچه در آیین گفت‌وگوی حضرت آمده، این است که رعایت نکات اخلاقی و احترام به مخاطب، یکی از روش‌هایی بود که حضرت در گفت‌وگوهای خود آن را به‌ کار می‌بردند و دیگر اینکه «بر اساس توان درک هر فرد، با او به گفت‌وگو می‌پرداختند»[[42]](#footnote-42)(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج2: 69 و ج۳: ۲۲۱). این روش حضرت در تربیت فرزند نیزکاربرد دارد.

## پرورش حس مسئولیت‌پذیری نسبت به جامعه و طبیعت

 حضرت جواد در دوره نوجوانی و حتی در دوره کودکی، ادارۀ امورحضرت رضا را در مدینه به عهده داشت و به شایستگی این امور را انجام داد. به ‌نظرمی‌رسد امام‌ رضا بدین وسیله حس مسئولیت‌پذیری را در فرزندش پرورش داده ‌است. مسئولیت‌پذیری فرزندان برای رسیدن به حس کفایت و خودباوری یکی از وظایف والدین است. توجّه به باورهای فرزندان و واگذاری مسئولیت به آنان، در ایجاد اعتماد به نفس آنان نقش اساسی دارد. اگرچه واگذاری مسئولیت‌ها و تکالیف سخت نیز ممکن است به نابسامانی و احساس بی کفایتی در فرزند بینجامد.

مسئولیت‌پذیری به طبیعت نیز در سیرۀ امام مشهود بود. از جمله زمانی که امام در مسیر مرو خواست به دعوت سیاسی مامون پاسخ گوید، وارد نیشابور شد و در منزلی ساکن شدند. امام در گوشه‌ای از حیاط درخت بادامی کاشت که پس از گذشت یک سال به ثمر نشست. مردم از میوه و برگ آن، برای استشفا استفاده می‌کردند(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۴۹: ۱۲۱). گسترۀ سبک زندگی، عرصۀ وسیعی از رفتار آدمی با خدا، خود، خانواده، جامعه و حتی طبیعت را در بر می‌‌گیرد. حضرت از طبیعت برای تفریح استفادۀ صحیح می‌نمود. امام رضا می‌فرمایند: «بوی خوش، عسل، سوارکاری و نگاه به مناظر سرسبز و خرم، باعث نشاط و شادی می‌شود»(ابن‌بابویه، 1378، ج2: ۴0). تفریح و سرگرمی‌های لذت‌بخش، آدمی را در ادارۀ زندگی یاری می‌کند و با کمک آن در امور دنیای خویش موفق‌تر خواهد بود. یکی از عوامل استحکام خانواده، فراهم‌کردن شرایطی برای شادی و تفریح افراد آن است. سفر، گشت‌وگذار در طبیعت، کوهپیمایی و... می‌تواند فرصتی باشد تا اعضای خانواده در آن رفع خستگی کنند و برای انجام‌ دادن مسئولیت‌ها و وظایف خود، توان مجدد بیابند. روح آدمی در دوری از طبیعت، احساس گرفتگی و کسالت می‌کند و با بازگشت به آن، شادابی و نشاط خاصی در خود می‌یابد(مؤسسۀ خدمات مشاوره‌ای جوانان و پژوهش‌های اجتماعی، ۱۳۹۰: ۵۵). در عصر مدرنیته، انسان به‌ عنوان فاعل شناسایی و اقتدار، طبیعت و آدم را به ‌عنوان یک ابژه در حوزۀ تسلط خود می‌بیند. یکی از راه‌های پرورش حس مسئولیت‌پذیری، رشد تفکر انتقادی در افراد است. اصولاً فضای اعتماد و همدلی در خانواده، فرد را مسئولیت‌پذیر می‌کند. چنین فضایی زمینه‌ساز رشد تفکر انتقادی است.

## رشد تفکر انتقادی

امروزه نقش تفکر انتقادی در بحث ارکان و ابزار تربیتی، نظر بسیاری از پژوهشگران و کارشناسان حوزۀ تعلیم‌وتربیت را به خود جلب کرده است. یکی از مواردی که تفکر انتقادی در آن نقش اساسی دارد، قلمرو رسانه و فضای مجازی است. در حالی ‌که برخی از پیام‌های رسانه و فضای مجازی، بر خلاف جهت تربیت صحیح خانواده عمل می‌کند، افراد خانواده می‌توانند با آموزش تفکر انتقادی صحیح دربارۀ مسائل ناصواب، موضع‌گیری درستی داشته باشند. در حوزۀ دین نیز توجه به مفهوم تفکر انتقادی از ابتدا مورد تأکید و توصیۀ قرآن و آموزه‌های دینی بوده و در سیرۀ اهل ‌بیت عصمت و طهارت به‌ وفور وجود داشته است؛ به ‌طوری‌که می‌توان اهمیت پرداختن و توجه به این تفکر را در سیرۀ رسول گرامی اسلام و امیرالمؤمنین علی به‌ وضوح دید. در سیره عملی امام‌ رضا همانند سایر امامان، ویژگی‌هایی از شاخصه‌های اساسی تفکر انتقادی مشهود بوده است که در ادامه به چند ویژگی به ‌صورت اجمالی اشاره می‌کنم:

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های این تفکر که در کلام پیشوایان معصوم نیز بارها به آن اشاره شده است، تدبیر و تعقل است؛ به این معنا که باید قبل از انجام ‌دادن هر کاری، به بررسی ابعاد و نتایج خوب و بد آن پرداخت و از فرجام و عاقبت کار غافل نماند. این موضوع کمک خواهد کرد که انسان با بصیرت و آگاهی وارد انجام ‌دادن کاری یا عملی شود. چنانکه امام‌رضا در این ‌باره فرمودند: «تدبیر و تعقل قبل از انجام‌دادن کاری، تو را از پشیمانی بعد از آن بازمی‌دارد»[[43]](#footnote-43)(ابن‌بابویه، ۱۳۷۸، ج۲: ۵۴).

شاخصۀ دیگری که در تفکر انتقادی مطرح می‌شود، تجزیه‌وتحلیل و مطابقت با معیارهای درست و تشخیص سره از ناسره است(شرفی، ۱۳۸۸: ۴۳). شاخصۀ دیگری که در تفکر نقادانه مطرح می‌شود و در سیرۀ اهل‌بیت نیز دیده می‌شود، پیوستگی علم و عمل است. یعنی گفتار انسان می‌بایست با افزایش سطح آگاهی و کسب علم صحیح دین، در مسیر درست به‌ کار گرفته شود تا تأثیرش در حوزۀ تربیت کاربردی باشد. بنابراین هم دانش تئوری و هم عملی باید در حوزۀ تفکر و تدبر و تعقل به‌ کار گرفته شود. امام ‌رضا در این ‌باره فرموده‌اند: «گفتار [خالی] بدون عمل، سودی و بهره‌ای ندارد»[[44]](#footnote-44)(‌طوسی، ۱۴۱۴ق: ۳۳۷).

رابطۀ افراد خانواده باید بر اساس دوستی و مبتنی بر همکاری باشد و تفکر نقادانه در روابط دیده شود. در دنیای امروز که فضای سایبری بر خانواده سایه گسترانیده است، اگر همۀ افراد خانواده نتوانند در مسائل پیرامون خود به تأمّل و بازنگری بپردازند و تفکّر انتقادی داشته باشند، در انتخاب‌های خود در زندگی و همچنین در تصمیم‌های خود با مشکل مواجه خواهند شد. روان‌شناسان و تحلیلگران غربی بر آموزش‌پذیربودن این تفکر تأکید کرده‌اند: «همان ‌طور که شما مفاهیم و کار را در هر رشتۀ خاص فرا می‌گیرید، مهارت‌های تفکر انتقادی هم قابل‌انتقال است و آموزش داده می‌شود»(آلن بنسلی، ۱۹۹۷م: ۸).

## تربیت علمی و فناوری

ساحت تربیت علمی و فناوری ناظر به کسب شایستگی‌هایی است که متربیان را در شناخت و بهره‌گیری و توسعۀ نتایج تجارب متراکم بشری در عرصۀ علم و فناوری یاری کند تا بر اساس آن متربیان، با عنایت به تغییرات و تحولات آینده، نسبت به جهان هستی و استفاده و تصرف مسئولانه در طبیعت، بینشی ارزشمند کسب کنند. این تغییر نگرش می‌تواند به یک راهبرد اساسی در نگاه انسان به طبیعت و حفظ و مراقبت از آن بینجامد. این ساحت از تربیت، ناظر به رشد توانمندی افراد جامعه در راستای فهم و درک دانش‌های پایه و عمومی، کسب مهارت دانش‌افزایی، به‌کارگیری شیوۀ تفکر علمی و منطقی، توان تفکر انتقادی، آمادگی برای بروز خلاقیت و نوآوری و نیز ناظر به کسب دانش، بینش و تفکر فناورانه برای بهبود کیفیت زندگی است(مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم ‌و تربیت رسمی عمومی، ۱۳۹۰: ۳۱۱). یکی از اهداف ساحت تربیت علمی و فناوری، «شناخت و بهره‌گیری از نتایج تجارب متراکم بشری در حوزۀ علم و فناوری، بر اساس نظام معیار اسلامی است. بر این اساس فهم و درک دانش‌های پایه و علوم کاربردی، کسب مهارت دانش‌افزایی، کسب دانش، بینش و تفکر فناورانه برای بهبود کیفیت زندگی، به‌کارگیری شیوۀ تفکر علمی و منطقی و داشتن تفکر انتقادی در مواجهه با مسائل زندگی»(همان، ۱۵۷) باید مدنظر قرار گیرد. متناظر با این مؤلفه‌ها، امام ‌رضا در احادیث و روایات سخن گفته‌اند. امام در اهمیت علم‌آموزی به ‌نقل از رسول گرامی اسلام فرموده‌اند: «دانش بجویید که همانا آن واسطۀ میان شما و خداوند است و البته دانشجویی بر هر فرد مسلمانی واجب است»[[45]](#footnote-45)(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۱: ۱۷۲) و دانش را مایۀ سربلندی دانسته و فرموده‌اند: «خداوند به واسطۀ علم اقوامی را سربلند می‌کند و آنان را در خیر پیشوا قرار می‌دهد که از آثار آن‌ها اقتباس می‌شود و به کردار آن‌ها مردم راه می‌یابند و به رأی و نظر آن‌ها منتهی می‌شوند»[[46]](#footnote-46)(همان: ۱۷۱). در روایات آمده‌ است که حضرت رضا در قالب روش گفتمان به ۱۵هزار مسئله پاسخ داده‌اند[[47]](#footnote-47)(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۴۹: ۹۹).

 از دیدگاه امام ‌رضا یکی از راه‌های تکمیل فهم و خرد انسان مؤمن، برخورداری از علم و دانش و یادگیری آن است. ایشان می‌فرمودند: «از ویژگی های انسان مسلمان این‌است که در طول عمرش از طلب دانش خسته نشود»[[48]](#footnote-48)(ابن‌شعبه حرّانی، 1376: 443). سیرۀ تربیتی حضرت در امور علمی این‌گونه بود که مردم را به علم‌آموزی دعوت کرده و هیچ‌گونه شرم و حیا را در یادگیری علم قبول نداشتند و می‌فرمودند: «کسی که علم ندارد، نباید از یادگیری خجالت بکشد.»[[49]](#footnote-49)(ابن‌بابویه، 1378، ج2: 44).

 حضرت خود با شور و اشتیاق و جدیت زیاد، در خانه یا مسجد می‌نشستند و به پرسش دیگران پاسخ می‌گفتند. سلیمان جعفری یکی از صحابۀ امام ‌رضا می‌گوید: «در خدمت حضرت امام‌رضا بودم و منزل ایشان پر بود از مردمی که برای پرسیدن سؤالاتشان به ایشان رجوع می‌کردند»[[50]](#footnote-50)(ابن‌شهرآشوب، 1379، ج4: 131). از طرفی تسلط امام‌ رضا به زبان‌های گوناگون، موجب شده بود به سؤالات همه افراد با زبان خودشان سخن بگویند(ابن‌بابویه، 1378، ج2: 228). همه این روایات نشان می‌دهد که برخورد عالمانه حضرت، در خانواده نیز تسری پیداکرده است که یکی از اثرات آن فرزندی با شخصیت امام‌ جواد است.کمالات امام ‌جواد درحدی بود که حدود هشت سالگی پیشوا و رهبر مسلمانان شد. امامت امام‌ جواد درکودکی بیانگر تربیت صحیح ایشان در خانواده است. اگرچه علم امام لدنی است نه آموختنی، می‌توان گفت در خانواده، پیشرو بودن در علم آموزی و عمل به آن از این لحاظ اهمّیّت دارد که عدم انطباق در رفتار و گفتار، باعث پیدایش تناقض و ایجاد شکاف در ساحت‌های وجودی فرد گشته و افراد مورد تربیت را دچار سردرگمی و اعتماد نداشتن به والدین می‌نماید. امام‌ رضا با رفتار خود، فرزندش را عالم نمود. البته امام‌رضا در همه حال از خداوند استمداد می‌جست و به او اعتماد می‌نمود.

# نتیجه‌گیری

در این پژوهش، تربیت فرزند در خانواده در سیرۀ امام ‌رضا، به عنوان هدف مطالعه شد. یافته‌های پژوهش نشان ‌داد که سه رویکرد برای تربیت فرزند در خانواده متصور است. در رویکرد اول؛ تربیت دینی با زیرمجموعه تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی بررسی گردید. گفتنی است تربیت انسانی در بینش اسلامی، تنها به شکوفایی استعدادها بسنده نکرده، بلکه کمال و تعالی انسان را مطرح کرده است. انگارۀ زندگی خوب در پرتو تعالی انسانی شکل می‌گیرد و روح پایان‌ناپذیر انسان با رسیدن به غایت زندگی سیراب می‌شود. در سیرۀ امام ‌رضا، غایت مطلوب زندگی انسان، خدا و بندگی اوست. در این بعد از تربیت، سیرۀ امام مبتنی بر روش عملی بود. در سیرۀ امام رضا، که برگرفته از مکتب پیامبراست؛ قانون‌گذار حقیقیِ گزاره‌های اخلاقی، خداوند است. ایشان اخلاق نیک را پس از ایمان به خداوند معرفی می‌کند. فلسفۀ زندگی امام رضا (ع) بر مدار احترام متقابل بین اعضای خانواده و ارزش‌گذاری بر کرامت انسانی بوده است. به صورتی‌که فرزندش، امام جواد (ع) نیز به تأسی از پدر بر ارزش‌های والای انسانی صحه گذاشت. تربیت اخلاقی برپایۀ منابع الهی حکم می‌کند که انسان‌ها برای بهتر شدن زندگی، به فضیلت‌های اساسی اخلاقی روی آورند.

حضرت در این زمینه الگوی خوبی برای فرزند خود بوده ‌است.

در رویکرد دوم؛ تربیت اجتماعی فرزند در خانواده با زیرمجموعۀ پرورش هویت اجتماعی، گفت‌وگو، پرورش حس مسئولیت‌پذیری نسبت به جامعه و طبیعت و رشد تفکر انتقادی بررسی شد. دین اسلام در هر برهه‌ای، به مسائل اجتماعی اهتمام ویژه داشته است. امام‌ رضا به فرزند خود نقش‌های اجتماعی می‌داد تا امام‌ جواد روابط خود را با مردم حفظ کند و به آن‌ها کمک کند و به او متذکر می‌گردید که به ‌وسیلۀ کمک به مردم، خداوند او را بزرگ می‌کند و مقام عالی پیدا می‌کند. همچنین فرزند خود را در موقعیت‌های سیاسی و اجتماعی قرار می‌داد. بدین وسیله حضرت یک نظام اخلاقی مبتنی بر اخلاق اجتماعی و عملی را در فرزند خود شکل‌ می‌دهد که پیامد آن رعایت حقوق و اخلاق اجتماعی است. از آن‌جا که بخشی از ناهنجاری‌های اجتماعی بازتاب هویت اجتماعی سرگردان و پرورش ‌نایافته است، پرورش هویت اجتماعی اهمیت می‌یابد. بر اساس سیره، گفت‌وگو، اساس ایجاد رابطۀ کارآمد است. بخشی از برنامۀ تربیت فرد در خانواده، به نوع تعاملات او با انسان‌های دیگر ربط پیدا می‌کند. رابطۀ افراد با هم، زمانی به بهترین شکل عمل‌ می‌کند که مسائل زیادی را از هم پنهان نکنند و بین آن‌ها اعتماد متقابل وجود داشته باشد. اعتماد هم چیزی است که ساخته می‌شود و نباید وجود آن ‌را بدیهی فرض کرد. در رابطۀ خوب، اعمال قدرت و ارعاب و خشونت وجود ندارد؛ بلکه آیین گفت‌وگو، بر اساس رعایت نکات اخلاقی و احترام به مخاطب و درک متقابل شکل می‌گیرد.

پرورش حس مسئولیت‌پذیری نسبت به جامعه و طبیعت، مقوله دیگری در رویکرد تربیتی امام‌ رضا است. انسان تنها موجودی است که خداوند او را بر کل هستی برتری بخشیده و او را خلیفۀ خود در روی زمین قرار داده‌ است. این نکته که بر کرامت انسانی نیز اشاره دارد، گویای مسئولیتی است که خداوند بر دوشش نهاده است. این مسئولیت نیازمند آگاهی و بصیرت است که دربارۀ علم‌آموزی نیز حضرت سفارش کرده است. سیرۀ حضرت نشان داد که ایشان با راهنمایی و ارشاد فرزند خود و دیگران و بیان احادیث و روایات، در برابر دیگران حس مسئولیت داشتند. همچنین مسئولیت‌پذیری اثرگذار در قبال طبیعت، در سیره مشهود بود؛ ازجمله زمانی که امام در منزلی ساکن شد و درخت بادامی کاشت که پس از گذشت یک سال به ثمر نشست. اصولاً فضای اعتماد و همدلی در خانواده، فرد را مسئولیت‌پذیر می‌کند. چنین فضایی زمینه‌ساز رشد تفکر انتقادی است. یکی از شاخصه‌های مهم این تفکر که در کلام پیشوایان معصوم نیز بارها به آن اشاره شده است، تدبیر و تعقل است؛ به این معنا که باید قبل از انجام ‌دادن هر کاری، به بررسی ابعاد و نتایج خوب و بد آن پرداخت و از فرجام و عاقبت کار غافل نماند. تجزیه و تحلیل امور با معیارهای صحیح و پیوستگی علم و عمل، از شاخصه‌های دیگر تفکر انتقادی است. امروزه یکی از مواردی که تفکر انتقادی در آن نقش اساسی دارد، قلمرو رسانه و فضای مجازی است. افراد خانواده می‌توانند با تفکر انتقادی صحیح، دربارۀ مسائل ناصواب در این فضا، موضع‌گیری درستی داشته باشند و در مواجهه با مشکلات تصمیمات درستی اتخاذ کنند.

در رویکرد سوم؛ تربیت علمی بررسی شد. از دیدگاه امام رضا یکی از راه‌های تکمیل فهم و خرد انسان مؤمن، برخورداری از علم و دانش و فراگیری آن است. ایشان می‌فرمودند: «از ویژگی‌های انسان مسلمان این است که در طول عمرش از طلب دانش خسته نشود. حضرت با رفتار عالمانه فرزندی با شخصیت امام جواد را پرورش داد.کمالات امام جواد درحدی بود که حدود هشت سالگی پیشوا و رهبر مسلمانان شد؛ البته امام رضا در همه حال از خداوند استمداد می‌جست و به او اعتماد می‌نمود.

با نگاهی بر رویکردهای تربیت فرزند در خانواده، باید اذعان داشت که اگرچه در زمینۀ رویکردهای مذکور شایستگی‌ها و مقوله‌هایی ذکرشد؛ اما در این مرزبندی مقوله‌ها به‌ صورت جداگانه نیستند، بلکه به ‌صورت هم‌پوشان و متداخل هستند. این تداخل ناشی از پیچیدگیِ امرِ تربیت است. برای نمونه تفکرانتقادی ، می‌تواند زمینه‌ای برای تربیت اخلاقی باشد. نتایج پژوهش نشان داد رویکرد تربیت در سیرۀ امام در هر کدام از مضامین استنباط‌ شده، بسیار پربار وگسترده است و می‌تواند آغازگر پژوهشی دیگر باشد. برای نمونه بحث مسئولیت‌پذیری نسبت به جامعه و طبیعت و نیز مسئولیت‌پذیری نسبت به خداوند موضوعی است که می‌تواند مورد پژوهشِ علاقه‌مندان قرارگیرد. می‌توان گفت بحث تربیت در خانواده در جامعه کنونی دارای اهمیت بوده و مغفول واقع شده‌ است. پیشنهاد این پژوهش، تدوین سندی معطوف به تربیت در خانواده است. این سند برای خانواده قابلیت اجرایی دارد و دولت نقش نظارتی و حمایتی دارد.

# منابع

* **قرآن‌ کریم**. ترجمۀ محسن قرائتی.
* **نهج‌البلاغه.** ترجمه محمد دشتی. قم: سادات‌رضوی.
* ابن‌بابویه، محمدبن‌علی‌بن‌الحسین قمی. (1378). ***عیون اخبارالرّضا علیه‌السّلام***. به‌تحقیق و تصحیح مهدی لاجوردی. ج1 و2. تهران: جهان.
* \_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_. (1413ق). ***من لا یحضره الفقیه***. به‌تحقیق و تصحیح علی‌اکبر غفاری. ج3. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم‏.
* ابن‌شعبه ‌الحرانی، ابی‌محمدحسن. (۱۳۷۶). ***تحف العقول***. ترجمۀ محمدباقر کمره‌ای. چاپ ششم. قم: کتابچی.
* ابن‌شهرآشوب،محمدبن‌علی. (1379) . ***مناقب آل ابی‌طالب***. ج4. قم: علامه.
* ابوالحسنی، سیدرحیم. (۱۳۸۸). ***تعیین و سنجش مؤلفه‌های هویت ایرانی***. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
* ***برنامۀ درسی ملی جمهوری اسلامی ایران***. (۱۳۹۱). تهران: شورای عالی آموزش‌وپرورش.
* بستان، حسین و همکاران. (۱۳۸۸). ***اسلام و جامعه‌شناسی خانواده***. چاپ چهارم‌. ویراست دوم. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
* به‌پژوه، احمد. (۱۳۷۸). ***اصول برقراری رابطۀ انسانی با فرزندان در دورۀ دبیرستان***. تهران: انجمن اولیا و مربیان.
* پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۸۲).*‌* ***نهج الفصاحه؛ مجموعه‌كلمات قصار حضرت رسول***. چاپ چهارم. تهران: دنیای دانش.
* پناهی، علی‌احمد. (1398). ***نقش زن و مرد در خانواده با رویکرد اسلامی***. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
* پورامینی، محمدباقر. (1392). ***سبک زندگی؛ منشور زندگی در منظر امام‌رضا ؛ پرسمان رضوی***. ج7. چاپ دوم. مشهد: انتشارات آستان‌قدس رضوی.
* جاهد، حسینعلی. (1387). ***اصول و فلسفه تعلیم و تربیت؛ تعلیم و تربیت اسلامی*.** تهران: جهش.
* جعفربن‌محمد. (1360). ***مصباح الشريعه***. ترجمۀ مصطفوى‏. تهران: انجمن اسلامى حكمت و فلسفۀ ايران‏.
* جعفری تبریزی، محمدتقی. (۱370). «حق کرامت انسانی». ***نشریۀ دانشکدۀ حقوق و علوم سیاسی***. ۲۷ (0). صص:77-98.
* جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۱). ***مفاتیح الحیات***. چاپ نود وپنجم. قم: اسرا.
* حرعاملی، محمدبن‌حسن. (1409ق). ***وسائل الشیعه***. ج4و6. قم: مؤسسه آل‌البیت.
* ..................................... (1412ق). *و****سائل الشیعه***. ج14. بیروت: داراحیاءالتراث‌العربی.
* حیدری ‌نراقی، علی‌محمد. (۱۳۸۶). ***رسالۀ حقوق امام‌سجاد***. شرح نراقی. چاپ هفتم. قم: مهدی نراقی.
* دوئرتی، ویلیام؛ مک‌دانیل، سوزان. (۱۳۸۹). ***خانواده‌درمانی***. ترجمۀ علی نیلوفری. تهران: ارجمند.
* راغب اصفهانی، حسين‌بن‌محمد. (۱۴۱۲ق). ***مفردات الفاظ القرآن***. به‌تحقیق و تصحیح صفوان عدنان داوودى. بيروت: دارالعلم و دمشق: الدار الشامية.
* ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰). ***دایرةالمعارف علوم اجتماعی***. تهران: کیهان.
* سالاری فر، محمدرضا. (1385). ***نظام خانواده در اسلام***. قم: هاجر.
* ستیر، ویرجینیا. (۱۳۸۸). ***آدم‌سازی در روان‌شناسی خانواده***. ترجمۀ بهروز بیرشک. چاپ هفتم. تهران: رشد.
* ***سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش***. (۱۳۹۰). تهران: دبیرخانۀ شورای عالی انقلاب فرهنگی.
* سیوطی، عبدالرحمن‌بن‌‍‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ابی‌بکر. (1429ق). ***الجامع‌الصغیر فی‌احادیث‌البشیرالنذیر***. ج1. بیروت: دارلفکرللطباعه والنشرو التوزیع.
* شرفی، محمدرضا. (۱۳۸۸).***مهارت‌های زندگی در سیرۀ رضوی***.مشهد:مؤسسۀ خدمات مشاوره‌ای.
* شریعتی، سیدصدرالدین؛ صحرایی، فاطمه. (۱۳۹۸). «بررسی نقش والدین در تربیت عاطفی کودک با بهره‌گیری از سیرۀ امام‌رضا». ***فصلنامۀ******فرهنگ مشاوره و روا‌ن‌درمانی***. 38 (10). صص:59 -80.
* شعاع‌کاظمی، مهرانگیز؛ سیف، سوسن. (۱۳۸۹). ***خانواده‌درمانی از دیدگاه ستیر***. تهران: پازینه.
* شعيرى، محمدبن‌محمدبن‌حيدر. (بی‌تا). ‏***جامع الاخبار***. نجف: مطبعة حيدرية.
* طبرسی، فضل‌بن‌حسن. (۱۴۱۷ق). ***اِعلام الوری باَعلام الهدی***. ج۲. قم: آل‌ البیت.
* طبرسی، حسن‌بن‌فضل. (1370). ***مکارم‌الاخلاق***. قم: شریف‌رضی.
* طوسی، محمدبن‌حسن. (۱۴۱۴ق). ***الامالی***. قم: دار الثقافة.
* عطاردی، عزیزالله. (۱۳۶۳). ***جوامع الحکم***. دهلی: ایرانین آرط پرنترز.
* ........................... (۱۴06ق). ***مسند الامام الرضا ابی‌الحسن‌ علی‌بن‌موسی***. ج2. بیروت: دار الصفوة.
* علی‌بن‌موسی‌الرضا. (۱۳۸۸). ***طب الرضا***. ترجمۀ احمد بانپور. تهران: جواهری.
* .................................. (بی‌تا). ***صحیفه‌الرضا***. مشهد: ندای اسلام.
* عمید، حسن. (1343). ***فرهنگ فارسی عمید***. چاپ پانزدهم. تهران: امیرکبیر.
* قائمی امیری، علی. (۱۳۹۱). ***خانواده در اسلام***. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
* قرائتی، محسن. (1386). ***تفسیر نور***. ج7. چاپ چهاردهم. تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.
* کلینی رازی، محمد‌بن‌یعقوب. (۱۴۰۷ق). ***الاصول من الکافی***. به‌تحقیق و تصحیح على‌اكبر غفارى و محمد آخوندى. ج3 و ۴. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
* گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۵). ***جهان لغزنده است***. ترجمۀ علی عطاران. تهران: کتاب پارسه.
* ***مبانی نظری تحول بنیادین******در نظام تعلیم‌وتربیت رسمی ‌و ‌عمومی در جمهوری اسلامی ایران***. (۱۳۹۰). تهران: دبیرخانۀ شورای عالی آموزش‌وپرورش.
* مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). ***بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار******الائمة الاطهار***.ج1 و2 و3 و ۴۹ و71 و79 ،97 و101. چاپ دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
* محمدپور، احمد. (1392). ***روش تحقیق کیفی ضدروش***. ج اول. چاپ دوم . تهران: جامعه شناسان.
* مرکز راهبردی فناوری‌های همگرا. (15/06/1394). **«فناوری‌های اجتماعی: تقویت عملکرد انسانی، وقتی کامپیوتر تنها یک ابزار نیست بلکه یک همراه است».** قابلیت دسترسی در آدرس اینترنتی: <https://nbic.ir/paper/3616>
* مسعودی، علی‌بن‌حسین. (1384). ***اثبات الوصیه للامام علی‌بن‌ابیطالب***. قم: انصاریان.
* مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷). ***یادداشت‌های استاد مطهری***. ج۱۱. تهران: صدرا.
* ........................ (1388). ***نقدی بر مارکسیسم***. ج1. تهران: صدرا.
* مهدی‌زاده، حسین. (1390). «سبک زندگی پیشینه‌ی دانش سبک زندگی». ***سوره اندیشه***. ش50. صص: 57 – 59.
* مینوچین، سالوادور. (۱۳۸۱). ***خانواده و خانواده‌درمانی***.ترجمۀ باقر ثنائی. چاپ چهارم. تهران: امیرکبیر.
* مینوچین، سالوادور ؛ فیشمن، اچ.چارلز. (۱۳۹۷).***فنون خانواده‌درمانی***. ترجمۀ فرشاد بهاری و فرح سیا. چاپ دهم. تهران: رشد.
* مؤسسۀ خدمات مشاوره‌ای جوانان و پژوهش‌های اجتماعی. (۱۳۹۰). ***مجموعۀ زندگی رضوی؛ ارتباط با خانواده درکلام رضوی***. مشهد: آستان قدس رضوی.
* موسوی، سیدابوالقاسم؛ جواهری، محمدرضا؛ اکرمی، ایوب. (۱۳۹۷). «روش‌های ایجاد و تعمیق باور به وجود خداوند در تربیت اعتقادی بر اساس سیرۀ امام‌رضا(ع)». ***دوفصلنامۀ علمی‌پژوهشی******آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث***.2 (3). صص:89-105.
* میرزمانی، اعظم. (۱۳۹۱). «آیا هرطور که بخواهیم می‌توانیم زندگی کنیم؟ تأثیرات سیاست‌گذاری عمومی بر سبک زندگی». ***سورۀ اندیشه***. ش۶۰ و ۶۱. صص87 - ۹۰.
* نقیب‌زاده، میرعبدالحسین. (۱۳۸۶). ***نگاهی به فلسفۀ آموزش‌وپرورش***. چاپ بیست ویک. تهران: طهوری.
* نوابی‌نژاد، شکوه. (۱۳۸۰). ***سه گفتار دربارۀ راهنمایی و تربیت فرزندان***. چاپ هفتم. تهران: انجمن اولیا و مربیان.
* نوری‌طبرسی، حسین. (1408ق). ***مستدرک الوسائل***. ج3. قم: موسسه آل‌البیت لاحیاءالتراث.
* واسعی، سیدعلیرضا. (۱۳۹۵). «تعامل با خانواده در سنت رضوی (رویکرد تبارشناسانه)». ***فصلنامۀ******فرهنگ رضوی***. 16(4). صص:251- 276.
* هومن، علی‌حیدر. (۱۳۸5). ***راهنمای عملی پژوهش کیفی***. تهران: سمت.
* یوسفیان، نعمت الله. (1389). ***تربیت دینی کودکان***. قم: زمزم هدایت.
* Bensely, D Alan, (1997), **Critical Thinking in Psychology, Pacific grove**, California
* Milgram, R.M., (1990), **Teaching gifted and talented learners in regular Classrooms**. U.S.A.
* Onder Fulya Cenkseven, Yasin Yilmaz (2012), The Role of Life Satisfaction and Parenting Styles in Predicting Delinquent Behaviors among High School Students, E**ducational Sciences: Theory & Practice**, 12(3): 1744-1748
* Satir, William, (1975), **Conjoint Family Therapy**. Palo Alto.cA: science and Behavior Books.
* Tajfel, H., (1978), **Differentiation Between Social Groups**, London: Academic.
* Tezci, Erdogan; Sezer, Fahri; Aktan, Sumer; Gurgan, Ugur. (2016). Do Lifestyles Shape Self-Regulated Learning Strategies?, **Eurasian Journal of Educational Research**, 65, 239-258
* Venera G; Zakirova and Ekaterina L. Nikitinab, (2016),Developing the Pedagogical Culture of Parents by Means of Social Partnership with a Supplementary Education Institution, **International Journal of Environmental and Science Education**, v11, n8, 2099-2111.
* Weiju Zhao1; Zhiping Zhang and Juan Liu (2017),The “Family” Section in Current Elementary Social Studies Textbooks in China, **Journal of Education and Training Studies**, Vol. 5, No. 10, URL: http://jets.redfame.com.
1. . دانشجوی دکترای فلسفه تعلیم‌ وتربیت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران؛ مربی فرهنگیان مشهد: ra\_harati@yahoo.com [↑](#footnote-ref-1)
2. . دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول): alirezamahmmudnia@yahoo.com [↑](#footnote-ref-2)
3. . دانشیار گروه فلسفه تعلیم ‌وتربیت، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران: salehihidji2@yahoo.com [↑](#footnote-ref-3)
4. . دانشیار گروه فلسفه تعلیم وتربیت، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران: ss.keshavarz@yahoo.com

.

 [↑](#footnote-ref-4)
5. . به‌گفتۀ راغب اصفهانی در *مفردات القرآن*، نکاح در اصل برای عقد است و در اصطلاح، به‌معنی روابط همسری است. [↑](#footnote-ref-5)
6. . R.H.Lowie [↑](#footnote-ref-6)
7. . K.Davis [↑](#footnote-ref-7)
8. . Mac Iver [↑](#footnote-ref-8)
9. . G.Murdock [↑](#footnote-ref-9)
10. . «قال اِذا أَعطی اللهُ أَحَدَکُمْ خیْراً فَلْیبْدَءْ بنَفسِهِ وَ أهْلِ بیْتِهِ». [↑](#footnote-ref-10)
11. . «وَ مِنْ آياتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْواجاً لِتَسْكُنُوا إِلَيْها وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذلِكَ لَآياتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ »(روم، 21). [↑](#footnote-ref-11)
12. . «یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم و اهلیکم ناراً»(تحریم،6). [↑](#footnote-ref-12)
13. . وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ .......... مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً. (نحل، 72). [↑](#footnote-ref-13)
14. . أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَامٍ وَبَنِينَ. (شعراء،133). [↑](#footnote-ref-14)
15. . وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا. (مریم، 55). [↑](#footnote-ref-15)
16. .  إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (شوری، 45). [↑](#footnote-ref-16)
17. . «لَأَنْ يُؤَدِّبَ أَحَدُكُمْ وَلَدَهُ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَتَصَدَّقَ بِنِصْفِ صَاعٍ كُلَّ يَوْم‏». [↑](#footnote-ref-17)
18. . «مَا نَحَلَ وَالِدٌ وَلَداً نُحْلا أَفْضَلَ مِنْ أَدَبٍ حَسَنٍ». [↑](#footnote-ref-18)
19. . «وَ اَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ فَتَعْلَمُ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ وَ اَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ وَ الْمَعُونَةِ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ فِيكَ وَ فِي نَفْسِهِ فَمُثَابٌ عَلَى ذَلِكَ وَ مُعَاقَبٌ فَاعْمَلْ فِی أَمْرِهِ عَمَلَ الْمُتَزَيِّنِ بِحُسْنِ أَثَرِهِ عَلَيْهِ فِی عَاجِلِ الدُّنْيَا الْمُعَذِّرِ إِلَى رَبِّهِ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ بِحُسْنِ الْقِيَامِ عَلَيْهِ وَ الْأَخْذِ لَهُ مِنْهُ وَ لا قُوَّةَ اِلَّا بِاللَّه.» [↑](#footnote-ref-19)
20. . «قدّست‏ أمّ‏ ولدته‏ فلقد خلقت طاهرة مطهّرة« [↑](#footnote-ref-20)
21. . «إيّاكَ أن تُزَوِّجَ شارِبَ الخَمرِ ، فإن زَوَّجتَهُ فكأنّما قُدْتَ إلى الزِّنا».  [↑](#footnote-ref-21)
22. . Rousseu [↑](#footnote-ref-22)
23. . Weiju & etc [↑](#footnote-ref-23)
24. . Venera & etc [↑](#footnote-ref-24)
25. . Tezci & etc [↑](#footnote-ref-25)
26. . Jose M.R.Delgado. [↑](#footnote-ref-26)
27. . Fulya Cenkseven Önder, Yasin Yilmaz [↑](#footnote-ref-27)
28. . از نظر کنوانسیون حقوق کودک، منظور از کودکان، افراد انسانی زیر 18سال است. [↑](#footnote-ref-28)
29. . «أَنَّ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ كَانَ يَقُولُ لِبَنِيهِ هَذَا اَخُوكُمْ عَلِیُّ بْنُ مُوسَى عَالِمُ آلِ مُحَمَّدٍ فَاسْأَلُوهُ عَنْ اَدْيَانِكُمْ وَ احْفَظُوا مَا يَقُولُ لَكُم‏.» [↑](#footnote-ref-29)
30. . «أَذِّنْ فِي بَيْتِكَ فَإِنَّهُ يَطْرُدُ الشَّيْطَانَ وَ يُسْتَحَبُّ مِنْ أَجْلِ الصِّبْيَان‏‏‏‏». [↑](#footnote-ref-30)
31. . «مُرِ الصَّبِيَّ فَلْيَتَصَدَّقْ بِيَدِهِ بِالْكِسْرَةِ وَ الْقَبْضَةِ وَ الشَّيْ‏ءِ وَ إِنْ قَلَّ فَإِنَّ كُلَّ شَيْ‏ءٍ يُرَادُ بِهِ اللَّهُ وَ إِنْ قَلَّ بَعْدَ أَنْ تَصْدُقَ النِّيَّةُ فِيهِ عَظِيم‏‏‏‏‏». [↑](#footnote-ref-31)
32. . «يُؤْخَذُ الْغُلَامُ بِالصَّلَاةِ وَ هُوَ ابْنُ سَبْعِ سِنِينَ‏‏». [↑](#footnote-ref-32)
33. . «اِجْعَلُوا لِبُيُوتِكُمْ نَصِيباً مِنَ الْقُرْآنِ- فَإِنَّ الْبَيْتَ إِذَا قُرِئَ فِيهِ الْقُرْآنُ يُسِّرَ عَلَى أَهْلِهِ وَ كَثُرَ خَيْرُهُ وَ كَانَ سُكَّانُهُ فِي زِيَادَةٍ‏‏‏‏». [↑](#footnote-ref-33)
34. . «أَحْسَنُ النَّاسِ إِیمَاناً أَحْسَنُهُمْ خُلُقاً وَ أَلْطَفُهُمْ بِأَهْلِهِ وَ أَنَا أَلْطَفُکمْ بِأَهْلِی». [↑](#footnote-ref-34)
35. . «الخُلقُ السَّی ءُ یفسِدُ العَمَلَ کما یفسِدُ الخَلُّ العَسَلَ». [↑](#footnote-ref-35)
36. . «ّمَنْ حَسَّنَ مَعَاشَ غَيْرِهِ فِي مَعَاشِهِ». [↑](#footnote-ref-36)
37. . « وَ لَا يَشْتَغِلُوا أَنْفُسَهُمْ بِتَمْزِيقِ بَعْضِهِمْ بَعْضاً فَإِنِّي آلَيْتُ عَلَى نَفْسِي إِنَّهُ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ وَ أَسْخَطَ وَلِيّاً مِنْ أَوْلِيَائِي دَعَوْتُ اللَّهَ لِيُعَذِّبَهُ فِي الدُّنْيَا أَشَدَّ الْعَذَاب‏». [↑](#footnote-ref-37)
38. . «أَقْرَبُكُمْ مِنِّي مَجْلِساً يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَحْسَنُكُمْ خُلُقاً وَ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ». [↑](#footnote-ref-38)
39. . «شَكَوْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى ع ابْناً لِي فَقَالَ لَا تَضْرِبْهُ وَ اهْجُرْهُ وَ لَا تُطِل‏‏». [↑](#footnote-ref-39)
40. . «سَأَلْتُ الرِّضَا ع أَوْ سُئِلَ وَ أَنَا أَسْمَعُ عَنِ الرَّجُلِ يُجْبِرُ وَلَدَهُ وَ هُوَ لَا يُصَلِّي الْيَوْمَ وَ الْيَوْمَيْنِ فَقَالَ وَ كَمْ أَتَى عَلَى الْغُلَامِ فَقُلْتُ ثَمَانِي سِنِينَ فَقَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ يَتْرُكُ الصَّلَاةَ قَالَ قُلْتُ: يُصِيبُهُ الْوَجَعُ قَالَ يُصَلِّي عَلَى نَحْوِ مَا يَقْدِر‏‏». [↑](#footnote-ref-40)
41. . «يَا أَبَا جَعْفَرٍ بَلَغَنِي أَنَّ الْمَوَالِيَ إِذَا رَكِبْتَ أَخْرَجُوكَ مِنَ الْبَابِ الصَّغِيرِ فَإِنَّمَا ذَلِكَ مِنْ بُخْلٍ بِهِمْ لِئَلَّا يَنَالَ مِنْكَ أَحَدٌ خَيْراً فَأَسْأَلُكَ بِحَقِّي عَلَيْكَ لَا يَكُنْ مَدْخَلُكَ وَ مَخْرَجُكَ إِلَّا مِنَ الْبَابِ الْكَبِيرِ وَ إِذَا رَكِبْتَ فَلْيَكُنْ منك [مَعَكَ‏] ذَهَبٌ وَ فِضَّةٌ ثُمَّ لَا يَسْأَلُكَ أَحَدٌ إِلَّا أَعْطَيْتَهُ.» [↑](#footnote-ref-41)
42. . «وَ يُكَلِّمِ النَّاسَ بِمَا يَعْرِفُونَ وَ يَكُفَّ عَمَّا يُنْكِرُونَ». [↑](#footnote-ref-42)
43. . «اَلتَّدْبِيرُ قَبْلَ‏ الْعَمَلِ‏ يُؤْمِنُكَ مِنَ النَّدَمِ». [↑](#footnote-ref-43)
44. . «لَا قَوْلَ اِلَّا بِعَمَلٍ». [↑](#footnote-ref-44)
45. . «فَاطْلُبُوا الْعِلْمَ فَإِنَّهُ السَّبَبُ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِم‏.» [↑](#footnote-ref-45)
46. . «يَرْفَعُ اللَّهُ بِهِ أَقْوَاماً فَيَجْعَلُهُمْ فِي الْخَيْرِ قَادَةً تُقْتَبَسُ آثَارُهُمْ وَ يُهْتَدَى بِفِعَالِهِمْ وَ يُنْتَهَى إِلَى رَأْيِهِم.» [↑](#footnote-ref-46)
47. . «لَمَّا اخْتَلَفَ النَّاسُ فِي أَمْرِ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا ع جَمَعْتُ مِنْ مَسَائِلِهِ مِمَّا سُئِلَ عَنْهُ وَ أَجَابَ فِيهِ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ أَلْفَ مَسْأَلَةٍ.» [↑](#footnote-ref-47)
48. . «وَ لَا يَمَلُّ مِنْ طَلَبِ الْعِلْمِ طُولَ دَهْرِه‏». [↑](#footnote-ref-48)
49. . «وَ لَا يَسْتَحْيِی أَحَدُكُمْ إِذَا لَمْ يَعْلَمْ أَنْ يَتَعَلَّمَ». [↑](#footnote-ref-49)
50. . «كُنْتُ عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا ع وَ الْبَيْتُ مَمْلُوءٌ مِنَ النَّاسِ يَسْأَلُونَهُ وَ هُوَ يُجِيبُهُمْ». [↑](#footnote-ref-50)